

گفت يك ملتى رويه ترقى رفته است و معارف ندارد هر اقدامى از براى ترقى مملكت بشود غير از معارف نمى توان آن را اقدام گفت زیرا - با هر قدر بیشتر معارف مملكت را تعقيب كنيم هميشه ترقى رفته است و هر ساعتى از عمر مجلس ما بگذرد و اقدام نكرده باشيم براى معارف همانقدر بايد محقق بدانيم كه از ترقى مملكت عقب افتاده ايم و هر چه زودتر شروع كرديم زودتر ميرسيم بآن ترقى حقيقى و معنوى زیرا تازه آنكه معارف ما ترقى نكرده است نه افكار عمومى در مملكت معلوم ميشود نه فرق سياسى معلوم ميشود هر چه فرض بكنيم و بخواهيم و متوقع باشيم بستگى به معارف دارد و از براى معارف هر چه بگوئيم كم گفته ايم مسلمانان تمام آقاى آن در نظر دارند كه معارف بايد پيش برود در يك سال آقاى معتمدالتجار پيشنهاده كردند كه صد هزار تومان مجلس تصويب كنند از براى اعزام شاگردان لايق باروبا كه از آن مشملهاى فروزان معارف كه در خارجه هست يك قدرى چراغها را روشن بكنند و باين مملكت بياورند تا اينكه زودتر راه را به بينيم و پيش برويم و بواسطه فقدان مالیه اين مسئله مبهم ماند تا در جلسه قبل وزارت معارف و علوم و ده وزارت تومان اعتبارخواست و كميسيون بودجه اين را چون خيلى مهم ميدانست مقدم بر تمام لوايح و مطالب اندياخت و تصويب كرد و راپورت آن داده شد بنده تقاضا ميكند كه از براى جلسه آتیه اين راپورت جزء دستور گذاشته شود تا اينكه يك دوروزى رود تر شروع شده باشد باين مقصود متدس عالى و تقاضا ميكند زودتر هم آقاى آن نمايندگان رأى خود را اظهار بدارند كه شايد از تحصيلات اينها دوروز زود تر فايده ببريم و استدعا دارم كه جزء اول دستور گذاشته شود نه مثل بعضى مطالب كه جزء دستور بگذاريد و همينطور بماند مثل اينكه در دستور امروز راپورت كميسيون پروگرام راجع به مالیه بوده و همينطور قانون ديوان محاسبات بود و اگر اين را آخر دستور بگذارند تا اينكه مطلب تمام بشود خيلى طول خواهد كشيد و باين نخواهد رسيد پس تقاضا ميكند كه اگر تصديق ميكند و با بنده همراه تصويب كنند كه اين را جزء اول دستور قرار بدهند شايد ما دوروز زودتر از تحصيلات اينها استفاده كنيم .

وزير مالیه - اگر چه قسمتى از فرمايشات سلیمان میرزا كه راجع بودجه بود نه سؤال است و نه استيضاح ولى چون راجع است بوزارت مالیه لازم است بنده توضیحى بدهم و آن اينست كه از فرمایش ایشان چنین استفاده ميشود از مجلس بعضى آقاى آن مثل اينكه خود هم اينطور فهميدم كه اين بودجه ناقص است بنده عرض ميكند كه اين يك بودجه است كه مطابق تمام بودجه هاى دنياست و مطابق همان بودجه است كه همه ممالك مينويسند و هيچ قسم نقصى با و وارد نيست ديگر اينكه معلوم است چون اول بودجه است كه در مملكت ما وضع ميشود يك شرح و مقدماتى ميخواهد كه شايد در دوره هاى آتیه لازم نداشته باشد و چون اين اول مرتبه است كه بودجه آنجا محل بحث واقع ميشود ميبايست بكمصورتى جزئى هم مطابق آن كليات داده شود و آنقدر بلكه در طهران است تدارك كرده بمجلس ميفرستم ولى پاره از آنها

كه راجع بولايات است تحصيلش خيلى اشكال دارد بجهت اينكه بعضى مضائقه ميكند از دادن بعضى دير ميرسد از ولايات ولى بنده اميدوارم كه تمام آن جزء ها را بدست بياوريم و تقديم مجلس كنم حالا چون خيلى از صورت هاى مخارج در طهران جزوش حاضر است بنده گمان ميكند كه كميسيون بودجه لازم نيست كه ازاله شروع كند جلو ميرود عرض ميكند اگر از بايت جمع بايد صورت از ولايات برسد ممكن است از خرج شروع بكنند و تمام جزو هاى آنها اينجا موجود است و ممكن است تمام آنها را در مد نظر در آورند كه كار كميسيون زمين نماند تا آن صورت ها برسد .

سلیمان ميرزا - كميسيون هم اينطور در نظر دارد و بهمين جهت شروع كرده است از خرج و هر قدر كه ممكن باشد بپكار نخواهد ماند .

[در اين موقع صورت استيضاح آقاى كاشف از وزير امور خارجه قرائت شد مشعر بر اينكه از وزير امور خارجه در خصوص حراج كردن عثمانيتها اموال موجودى در حجات تجار ايرانى را در اسلامبول براى دريافت ماليات استيضاح خواهم خواست .]

اديب التجار - از حضرت آقاى نايب السلطنه هيئت رئيسه اطلاعى دارند يا خير ؟

نايب رئيس - هيئت رئيسه اطلاعى ندارند لکن هيئت دولت را نمى توانم عرض كنم دستور جلسه آتیه رأى در بقيه مواد قانون ماليات تريك - انتخاب شعبات - انتخاب كسر علماء خمس - راپورت كميسيون - پروگرام راجع باصلاحات عدليه - بودجه دفتر محصلين كه اعزام بفرنگ لازم است بشوند در صورتى كه وقت بماند . [مجلس يكساعت و ربع از شب گذشته ختم شد] .

جلسه ۲۰۰

صورت مشروح روز شنبه ۱۹

محرم الحرام ۱۳۲۹

مجلس دو ساعت قبل از غروب آفتاب برباست آقاى متين السلطنه نايب رئيس تشكيل شده صورت مجلس روز پنجشنبه را آقاى معاضدالمملك قرائت نمود .

(غائبين جلسه قبل - سيداراعظم - حاج محمد كريم خان - بى اجازه) (آقا ميرزا على اكبر خان مشيرالدوله - با اجازه) مستشارالدوله - نجات شيبانى حاج مصدق الممالك - آقا شيخ ابراهيم زنجانى - حاج آقا در موقع مقرر حاضر نشدند - سردار احمد - دكتور اسمعيل خان - مريض بودند .

نايب رئيس - آقاى اديب التجار نظرى در صورت مجلس داشتيد .

آقاى اديب التجار - بعد از صورت مجلس عرض دارم .

حاج محمد كريم خان - عرض ميكند كه بنده را غائب نوشته اند غيبت بنده بملاحظه سینه درد بود آقاى شيبانى هم تشریف داشتند بملاحظه فرمودند .

منتصر السلطان - در صورت مجلس قانون عتيقات را در صورتى كه شور اول او را كرده ايم و در مجلس رأى گرفتيم كه داخل در مواد شويم نوشته اند

و ديگر اينكه عنقریب مى بينم كه مسئله قيان و بعضى ترتيبات ديگر كه بوده و هر روز شكايت از او ميشود و خيلى اهميت پيدا كند لازم است در آن جزو دستور شود و موادش زودتر در كميسيون با حضور بعضى آقاى آن اصلاحات لازم ميشود كه خيلى محل احتياج است .

نايب رئيس - صحيح است سابقاً جزء دستور بود و در اينجا قفلت شده است و بعد جزء دستور ميشود .

افتخارا لى اعظمين - بنده آنروز و تيكه وزير مالیه در جواب سؤال آقاى ارباب جواب دادند همانوقت

ميخواستم سؤال كنم و لکن چون بموجب نظامنامه داخلى خود آن نماينده كه سؤال كرده است بايد اظهار بكنند و ديگرى حق ندارد وليكن عرض ميكند كه پس از اينكه معين شده است يك هيئتى براى تفتيش از مجلس شورايى برود تمام حسابهاى وزارت مالیه را رسيدگى كرده در ضمن هم رسيدگى بحساب حاج و وكيل الرعايا بكنند بنده نميدانم وزارت مالیه بچه جهت مو كول بديوان محاسبات ميفرمايند و حال آنكه همان هيئت تفتيشيه بايد بان حساب رسيدگى كرده و در ذيل راپورت خودش بمجلس راپورت بدهد

حاج عز الممالك - مجلس سابق كه برباست جنابعالى منقذ شد در صورت مجلس بموجب نظامنامه بايد كه علت غيبت رئيس ذكر شود والا ممكن نيست كه جلسه در تحت رياست نايب رئيس تشكيل شود بدون اينكه علت غيبت رئيس ذكر شود كه جهت غيبت چه بوده .

نايب رئيس - رئيس در جلسه قبل كسالت داشتند و امروز هم كسالت دارند .

اديب التجار - مدت ها است لوايح تشكرى كه از طرف مجلس شورايى مى بجهت حجج اسلام نجف اشرف تهيه شده است و اداره مباشرت زحماتى كشيده و اين خدمت را انجام دادند در روانه كردن لايحه تشكر تا بحال مى بينم بعهده تأخير افتاده است علت اين را نمى دانم و كى فرستاده خواهد شد اين را خوب است جواب بگويند و استدعا ميكند هر چه زودتر اين لوايح بهر وسيله زودترى كه مجلس صلاح ميداند يا با مأمور دولت يا با خود نمايندگان و البته عقیده خودم اينست كه بتوسط يكى دو نفر از نمايندگان و البته عقیده خودم هم اين است كه بتوسط يكى از نمايندگان برود كه بجهت تبجيز مقام محترم رياست روحانى خيلى شايسته تر و بهتر است و مطلب ديگر اينكه ما هميشه از قلت و كلاشكايت ميكند بجهت رأى گرفتن و از قرار بلكه چند فقره تحقيق كرده ام انتخاب نامه هاى و كلای چند جا منجمه زنجان منجمه قائمات و بيرجند و دماوند آمده است و بشعبه هاى مختلف رجوع شده است جبهه اينكه بمجلس نيامده است چيست و اگر اسكالاتى دارد البته در اينجا حل خواهد شد و اگر صحيح است بهمان رأى ميدهند كه عده براى رأى كافي شود و تكليف آن بيچاره ها هم كه از طرف ملت منتخب شده اند معلوم شود .

نايب رئيس - در مسئله اولى نمايندگان محترم مسبقند كه اين مسئله بمجلس آمد وليكن بى نتيجه ماند و در همان موقع بلكه اين مطلب را مطرح كردند عده از

نمایندگان تقاضای جلسه خصوصی کردند از برای پاره مذاکرات که در اینخصوص بشود و آن تقاضاهنوز در هیئت رئیسه حاضر است حالا نمایندگان محترم اگر بر آن تقاضا باقی هستند میتوانیم يك جلسه خصوصی در اینباب منعقد کنیم و اگر هم مجلس مقدس تصویب میکند که داخل در مذاکرات شویم آنهم بسته برای نمایندگان محترم است و اما مسئله دوم بشعبات تأکید شده است که آن اعتبار نامه ها بیکه با آنها رجوع شده است که تا روز سه شنبه حتماً بدهند .

افتخار الواعظیه - در باب اعتبار نامه دماوند بنده توضیح دارم اگر مرخص بفرمائید (گفته شد خارج از موضوع است .)

حاج شیخعلی خراسانی - کار های ما اشترک گاو یلانک شده است یک روز يك انحصاری از يك تجارتخانه میآید بمجلس که يك کارخانه چرم سازی و صابون پزی بیاورند و بوظیفه خودشان هم عمل کرده اند و بمجلس هم فرستاده اند آنوقت فریاد از مجلس بلند میشود که انحصار صحیح نیست حال ندیده می بینم يك انحصار و دو انحصار در طهران واقع شده است که مخالف با قانون اساسی است وضع مالیات از مخصاص چه است بنده نفهمیده این گو سفندی ۳ قران را که کمپانی دم دروازه روز عید قربان گرفته بودند این از مجلس که نگذشته بود همینطور انحصار رزق مردم را وضع گوشت را که ملاحظه فرموده اند که هیچوجه پیدا نمیشود یکمن شش قران هفت قران هر چه دلشان میخواهد میفروشند .

دو ماده قانون اساسی با این کمپانیها مخالفت دارد یکی اینکه پولی را که دم دروازه ها از مردم میگیرند نمیدانم این دروازه است اداره بلدیسه است و این مالیات را مجلس وضع کرده است یکی هم انحصار رزق است که گوشت آلان هیچ پیدا نمیشود کنترات نامه آنها آمد در کمیسیون داخله وزیر داخله هم آمده بود گفتگو هائی شد هیئتی پیدا شده بودند که گوشت را بهتر و ارزانتر بفروشند با وجود اینکه اصرار کردند که بهمان کمپانی سابق بدهند نمیدانم چه جهة دارد این دو ماده قانون اساسی را اگر آقایان تصویب کرده اند که بر داشته شود بفرمائید .

ارباب کیخسرو - ایشان کلیتاً قانون اساسی را بهانه کردند و برخلاف ترتیبات قانون اساسی تقریباً رفتار میکنند این سؤال را باید در مقابل وزیر بکنید ما که هیچکدام وزیر نیستیم که جواب ایشانرا بگوئیم .
فایب رئیس - در این باب عرایضیکه سابقاً رسیده بود بکمیسیون داخله رجوع شده بود و يك رایورتی هم در اینخصوص داده اند اگر مقتضی میدانید قرائت شود (مضی اظهار کردند خارج از دستور است)
فایب رئیس - اگر مخالفی نیست قرائت میشود و ملاظه بفرمائید در اینباب خواهیم گرفت فقط برای اطلاع نمایندگان خوانده میشود .

ارباب کیخسرو - بنده مخالفم اجازه بفرمائید (رایورت مزبور قرائت شد بدینمضمون) رایورت کمیسیون داخله جلسه از بابت امر گوشت منعقد گردید چون از طرف هیئتی بهیئت رئیسه رسیده و حاضر شده بودند کنترات گوشت را که شرکت متفقه در آن پاره تغییرات داده و بمواد آن رفتار نکردند بقسم سهلتر و انفعی بحال ملت قول نمایند کمیسیون باینجهه مجبور شده صورت کنترات شرکت متفقه را بخواهد در آن ملاحظاتی شود بعد از قرائت معلوم شد کنترات از طرف کمیسیون عالی بسته شده و در ذیل یکی از مواد آن مقرر شده

که کنترات بتصویب مجلس رسد و تاکنون کنترات را بتصویب مجلس نرسانیده اند از اینطرف از جانب کمپانی هم اظهار فسخ قرارداد شده باین جهت آقای سهام الدوله حاکم طهران قراردادی ششماهه با هیئت جدید بسته بعد از آن مجدداً با هیئت قدیم عمل از طرف وزارت داخله قراردادی جدید شده است و صورت قرار داد جدید باقرار داد کمیسیون عالی اختلاف و تفاوتی دارد و همچنین باقراردادی که با هیئت جدید داده اند اختلاف دارد و ضرری بعلمت از این راه وارد می آید باری در روز شنبه ۱۹ با آقای اقتدار الدوله در اینباب مذاکرات زیاد و بالاخره مقرر شد مجلسی در بلدیسه تشکیل بدهند و هیئت قدیم و جدید را حاضر نمایند و بعد از مذاکرات بهر قسمی صلاح حال ملت را بدانند پیشنهاد آنرا تقدیم مجلس نمایند

فایب رئیس - حالا اگر نمایندگان تصویب میفرمائید این رایورت فرستاده شود بوزارت داخله
ارباب کیخسرو - اول اینکه وقتیکه آقای رئیس میفرمائید کسی اگر مخالف است خواننده نمی شود بنده میگویم که مخالفم اجازه بفرمائید - دیگر اینکه بنده میدانم که چیزی که آمد بهیئت رئیسه رجوع بکنند يك کمیسیونی آن کمیسیون هم باید رسیدگی کند یعنی قانونی هم هست - باشد - ولی مسئله گذشت چهار بطی بمجلس دارد فرضاً از طرف وزیر پیشنهاد شود که يك کمیسیونی رجوع بشود یا نشود در صورتیکه مجلس هیچ اطلاعی ندارد بنده هیچ نمی دانم مطابق کدام قانون است - آقای رئیس این را بفرمائید .

فایب رئیس - خاطر نمایندگان محترم را مسبوق میدارم که اولاً قصاص قبل از جنایت نباید کرد شما اجازه نخواسته بودید که اجازه داده شود - و در نوشتجاتی که اینجا است ابتدا اسم جناب عالی نیست (ارباب کیخسرو - بنده همانوقت که فرمودید اگر مخالفی نباشد خواننده نمیشود اجازه خواستم) بعلاوه در اینمسئله عرض میکنم که نوشتجاتی رسیده بود بهیئت رئیسه و هیئت رئیسه این حق را دارد که عرایضی که بهیئت رئیسه میآید بکمیسیون مخصوص آن بابک کمیسیونی دیگر بفرستد و نظر بآن عرایضی بود که کمیسیون آن عرایض را داده بودند حالا اگر صلاح میدانید مفاد آن بوزارت داخله داده شود .

(صورت استیضاح ذیل از طرف آقای منتصر السلطان قرائت شد) .

حضور محترم ریاست فغیبه مجلس شورای ملی دام اقباله العالی - چون سؤالی که جناب آقای ارباب کیخسرو از حضرت وزیر مالیه راجع بعمل معادن بنادر خلیج فارس در جلسه ۱۷ محرم ۱۳۲۹ نمودند بنده را قانع ننموده این بنده را در اینخصوص از وزیر محترم مالیه جداً استیضاح دارم تمنی میکنم مراتب را با آقای وزیر اطلاع دهید که برای جواب حاضر باشند .

دکتر علی خان - اخطار قانون اساسی دارم صورت استیضاح باید صحیح نوشته شود اینجا نوشته شده است که مجلس را قانع نکرد ایشانرا قانع نکرد چهار بطی بمجلس دارد که مجلس را قانع نکرد باقانع کرد خوب بود ایشان بنوشته بنده را قانع نکرد .
منتصر السلطان - بنویسند بنده را قانع نکرد

(شروع بشور در رایورت کمیسیون قوانین مالیه شد) ماده دوم - محض جلوگیری از مضار استعمال شیره سوخته تریاک دولت خرید و فروش شیره آنرا منحصراً متصدی خواهد بود و هر مثقال شیره سوخته هر قدر برای دولت تمام شود از تاریخ وضع اینقانون تا دو سال به اضافه سیصد دینار بفروش میرسد ارسال سیم بیعدهرساله بهر مثقال صد دینار بر مالیات سال قبل افزوده میشود تا وقتی که کلیه مالیات در هر مثقال يك قران برسد .

بهجت - منحصر شده است فروش سوخته تریاک بدولت چون منحصر شده است بدولت معلوم نشده است که قیمتش در بازار چقدر است و ممکن هم نیست که در اینجا معین کنیم که دولت هر مثقال سوخته را از روی چه میزانی مالیات میگیرند بعقیده بنده قدری اشکال پیدا کند در صورتی که منحصر کنیم خرید و فروش را بدولت و بگوئیم غیر از دولت کسی حق خرید و فروش را نداشته باشد آنوقت ما نمی دانیم که از چه قرار معین بکنیم مگر اینکه قیمت تریاک را بسوخته تریاک بسنجیم که چقدر است که از روی آن میزان گرفته شود که بگوئیم سوخته تریاک از قرار مثقالی نصف قیمت تریاک یاثلث تریاک که میزانی بدست آید والا خیلی بی معنی خواهد شد

فهییم الملک - ایشا اگر قیمتی از برایش معین کنیم مشکلات می شود زیرا که می دانید طوری نیست که بتوان از روی قاعده نرخ معین کرد اشخاصیکه تریاک میکشند سوخته که در حقه آنها جمع میشود آنرا بر می دارند در يك جا جمع می شود حالا معمول است در قهوه خانه ها آنرا جمع میکنند قرار کلی بآنها می گذارند در هر موقعی يك نرخ می خریدند يك قیمت معین نیست تا بتوانند سعی میکنند که ارزان تر بخرند بعد که بردند ریختند و شیره کردند آنوقت آن شیره را مثل تریاک يك قیمتی از برایش معین خواهند کرد حالا دولت در هر جائی با هر نرخیکه مناسب دانست می خرد در موقع فروش آن باید معین بشود هر قدر قیمت آن تمام شد سیصد دینار اضافه بآن می کنند و می فروشند اما قیمت آن تفاوت دارد در هر محلی يك قیمتی می خریدند برای این گویا نتوان يك میزان معین تعیین کرد

حاج سید ابراهیم - بنده در دو قسم از مالیاتها را لازم می دانم نمایندگان سخت گیری کنند و بقدری مالیات بان ببندند که باعث شود که دست رسو به آن نداشته باشند در حقیقت اضافه بشود بحال آنها بیکه گرفتار آن هستند یکی مالیات تجملیات است و یکی از آنها مالیات عتیقات بوده است که خواهد آمد و یکی هم مالیات انقسم چیزها و این اسبابی است که مصراست برای انسان و يك سم مهلکی است که قاطع حیات انسان است این را بنده عرض میکنم که باید بجای مالیات بر آنها بیفزایند که بکلی ترك شود حالا در آخر این فقره نوشته است که از سال سیم مثقالی صد دینار اضافه شود ظاهراً اینستکه تعلق بسوخته دارد و حال آنکه جهة ندارد که اختصاص بسوخته داشته باشد خوب است که در خصوص تریاک هم همین طور باشد که از سال سیم مثقالی صد دینار افزوده شود .

فهم الملك - مراد تمیم نیست آنچه راجع برتیاك بوده در ماده فوق گذشت چون سوخته بدلائل زیاد ضررش بیش از تریاك است حالا این طور شروع می شود اول باید آنکسانیکه مبتلا بشیره هستند و کم کم طوری بگردند که شیره را به آنها ترك داد و آنها را گرفتار تریاك کرد و کم کم تریاك را هم از آنها گرفت تا کم کم ترك کنند والا اگر تریاك را هم از آنها بگیریم در واقع حکم قتل آنها را داده ایم .

حاج آقا - بنده باز در آن موردیکه دیروز عرض کردم با وجودیکه دیروز آقایان مرایض مرا توجه نکردند باز من عرض خود را مکرر میکنم که این مواد به آن ترتیبیکه در نظامنامه مقرر است داخل می شدیم که در شنب برود و در هر لایحه که خارج می شود از کمیسیون قبل از وقت يك دقتی میکردند که تمام آن مواد زود از مجلس میگذشت نه تنها این قانون هر قانونی اگر ترتیب شنب را مرتب میکردیم مواد زود می گذشت ولی چون این کار را نکردیم بدون ترتیب يك قانونی را می آورند به مجلس و روزی دو ماده سه ماده بیشتر نمی توانیم بگذرانیم و حال آنکه این مواد را باید در شعبات که برای مامور است مذاکره کرد و این مواد يك موادی است که در کمیسیون تمام جهاتش ملاحظه شده است و بنظر دقت رسیدگی شد و اگر ما بخوایم يك چیزی هم تحمل کنیم بر تریاك بعد از این می توانیم در هر سالی که وزارت مالیه بداند مصلحت است پیشنهاد میکند و مجلس هم دستش بسته نیست لابد مذاکره و تصویب می کند عجلاننا بنده تصور می کنم کدر ماده سه ملاحظه شود آن ماده که گذشت نباید آنرا مکرر کرد در آن ماده تصویب شده است که متقالی سیصد دینار گرفته شود از کلیه تریاك این ماده هم قرار شده که غیر از این سیصد دینار دیگر چیزی گرفته نشود تا بعد از هر مرتبه مصلحت بداند چیزی اضافه شود تا بیکلی ترك شود .

وکیل التجار - عرض بنده همینکه از چند کلمه زیاد تر شد اینجا می آیم - اولاً اینکه آقای مخبر فرمودند قیمت سوخته معلوم نیست چون داخل تجارت و داد و ستد نبودند حق دارند تریاك و سوخته تریاك مثل یکی از مال التجاره های خیلی صحیحی که در بازار معامله و داد و ستد می شود نرخ همین دارد معلوم است که جزء مال التجاره های است که خرید و فروش می شود و همه جا فرستاده می شود و نرخ بر همه معین است اما بنده در میزان مالیاتش و در اینکه بنده از سه سال هر سالی سیصد دینار اضافه کنند حرفی نگفتم اما استدعا دارم آقایان خوب ملاحظه و دقت در اینجا بفرمایند در اینجا نوشته شده است که خریدش منحصر است و اگر گذار بدولت است و آن را باید دولت حاضر کند و بفروشد اما برای دولت این زحمت و انحصار چه فایده دارد غیر از اینکه مجبور شود که سوخته تریاك را بفروشد و يك مبلغی پول سرمایه معین کند که هر امم سوخته است بفروشد و بعد بیاورد که بعد بزحمت بیاورد معین کند که چقدر خریده شده چقدر خرج شده این يك جا خرید دولت و دوباره درست کردن و بیک رشته برای فروختن سوخته

نمی توان معین کرد که مغارج خریدش چند در صد است کردنش چند اعضاییکه برای اومعین می شود چه قسم موجب بآنها داده شده است و بهر متقالی چقدر متعلق میگردد سوخته همه این زحمات را بکشند آنوقت متقالی سیصد دینار اضافه کنند این يك زحمت زیادی است برای دولت و نمی توان گفت دولت در مقابل این زحمات فایده برده است بهتر اینست که مثل خود تریاك همان اشخاصیکه متصدی تریاك هستند متصدی امر سوخته هم باشند سوخته را آزاد بفرودند تا آنکه همانطور متقالی سیصد دینار از تریاك بگیرند همانطور هم از سوخته دولت متقالی سیصد دینار خودش را بگیرد همان ترتیبی که در مسئله تریاك دارد در باره آنها هم دارد فقط چیزی که هست يك زحمت فوق العاده و خرج فوق العاده و اسباب زحمت زیادی برای دولت دارد دیگر هیچ فایده ندارد ولی بنده در مسئله میزان سیصد دینار بعد از آن سالی یکصد دینار بر آن اضافه شود تا اینکه يك قران برسد در آنها هیچ مخالفت و حرفی ندارم بنده عرض نمیکنم که انحصار آنها بدولت داده اند این را صحیح نمیدانم مگر اینکه يك فایده فوق العاده بر آن تصور کنند وقتیکه فایده ندارد و زحمت هم دارد بلکه ضرر هم بر آن مترتب است که يك عده يك موجب فوق العاده بگیرند بیجهت و بی سبب و هیچ نتیجه بر آن مرتب نشود بنده تصویب نمیکنم و استدعا دارم که آقایان متوجه این نکته بشوند باینکه اگر فایده بر آن مترتب است که هیچ و الا عرض بنده را بپذیرند و بگذارند همان اشخاصی که متصدی امر تریاك هستند متصدی امر سوخته هم باشند و مثل خود تریاك متقالی سیصد دینار بگیرند .

فهم الملك - در قسمت اول که بنده عرض کردم نرخ معین ندارد و همین طور که فرمودند بنده داخل هیچ قسم تجارتي نبودم خاصه این تجارت ولیکن مقصود بنده این بود که نمیتوان مجبور کرد اشخاصی را که کلا مال التجاره شان را بيك قیمت معین در همه جا بفروشد خریدار منحصر میکند بدولت فروشنده را دیگر نمیتوان مجبور کرد که شما بفلان قیمت بفروشید شاید در آن موقع از آن قیمت بالاتر برود پس بهمان نرخ که معمول است در همه جا برای نرخ سوخته بهمان نرخ میفرسند دیگر لازم نیست معین کنیم که بچه نرخ بفروشد اما این را که انحصار بدیم بدولت بطوریکه در جلسه سابق گفته شد معنای آنی که وضع این قانون دارد اینست که بیکسال است که این قانون در مملکت جاری شده است و طریق جریان و فایده قانونی شدن این عمل را دیده اند و میدانند و تجاری که در این یکساله حاصل شده است اداره تعدید تریاك و انحصار قبلی لازم دانسته است که این منحصر باشد بدولت و نقطه نظر عمده اینست که متدرجاً بتدایر عمده ای را از سر مردم بیدارند بهترین راه این کار اینست که سوخته را دولت از همه جا جمع کند و خودش درست کند و شیره بسازد و کم کم با اشخاصی که میخرند بفروشد که در همه جا مثل تریاك منتشر باشد و رفته رفته از سر مردم بیفتد بطوری که در اول ماده ذکر کرده اند که محض جلوگیری از مضار شیره سوخته تریاك این را قرار داده مع ذلك

می دانید که سوخته تریاكی را که دارد تریاك ندارد یعنی سوخته مثل تریاك مزه داشته باشد که بوند ببینند چه اشخاصی شیره مالیده دارند که قبل از وقت ترتیبی از برای مالیات آن معین کنند این در نقاط مختلفه چقدر خانه ها چقدر قهوه خانه ها چه در شیره کشخانه ها کشیده می شود خورده خورده جمع می شود و اگر امروز بخوانند برای سوخته هم مثل تریاك مالیاتی معین کنند زحمات و صدماتش بدرجات در مواد سوخته بیشتر خواهد شد زیرا که آن چیزی است که در هر نقطه هست و برای جمع آوری آن يك رحمتانی تولید خواهد شد و همین طور برای ساختنش حالا اگر معین شد که حتماً غیر از دولت کسی نمیتواند بفروشد و منحصر است بدولت در هر جایی در هر نقطه نظر مهمی که نتیجه انحصار است و از آنجهت است که این انحصار داده شده است اینست که رفته رفته از سر مردم می افتد و آن مناقشاتی که ما بین مامورین و فروشنده های سوخته است بعمل نخواهد آمد نقطه نظر بنده این بوده است .

حاج شیخ اسدالله - در صورتی که انحصار بدولت داشته باشد خرید این سوخته بنده آنوقت میگردانم چطور تصور می شود در صورتیکه خریدم بخش بدولت باشد آنوقت دیگر میزان قیمت این با خود دولت است آنهم مسلماً دولت طرف صرفه را ملاحظه میکند و هر اندازه که قیمت برای آن معین کند باید که مشتری بخرد و این يك صرفه جوئی است برای دولت دولت دیگر تقاب نمیکند و بقیمت نازل میخرد منتهی سیصد دینار روش می کشند و میبندند بشیره کش ها بنده عرض میکنم که میزان صحیحی برای قیمت سوخته تریاك باید معین کرد باید يك مقداری یا نك یا ربع یا عشر بهر جهت بنده نمیدانم شیره کش ها بهتر میدانند باید این را معین کرد و این میزان را بآن شیره نسبت بدهند که بآن میزان این سوخته تریاك را بخرند [بيك میزان نمیدانم چه میزانی است] و متقالی سیصد دینار را بروی آن بکشند و بفروشد اما اینکه منحصر بدولت باشد و قیمتش هم معین نباشد این را تصور نمیکنم که صحیح نباشد .

حاج شیخ الرئیس - بنده در جلسه سابق عرض کردم که در اصل وضع مالیات تریاك شاید ساکت باشم و این را هم میدانم که کسانی که مبتلا بشیرین تریاك هستند استطاعت يك داد و فریادی را ندارند زیرا که بجز چگر سوخته و نفس را فروخته چیزی ندارند ولی يك نکته را لازم است که خاطر نشان کنیم آقایانیکه شاید ذهنشان از من حاضر تر باشد در مسئله تریاك که گذشت و اکثریت مجلس تصویب کرد که در مسئله سوخته تریاك بنده دو نظر دارم یکی تأمل دارم چنانچه بزرگان از علماء اعلام و حجج اسلام که بعضی ارتجال کردند طالب الله فراهم بعضی ها هم بجمده الله زنده اند امام الله بقا هم مذاکرات حضوری با آنها کرده ام بنظر آن آقایان که شاید نظر بنده هم پیرو افکار عالی آنها باشد این بود که سوخته تریاك مالیت ندارد داخل

خباثت است بیع و شرا در آن جایز نیست حرمت علیکم الخبائث حالا عرض کردم نقل قول بعضی از علماء را کردم عرض میکنم خود هم شاید نظری داشته باشم که اگر بپرستند شاید بگویم علاوه بر این يك نکته دیگر خباثنشان آقایان میکنند و آن اینست که بنده خیلی برای دولت ناروا و ناسزا میدانم خیلی در نظر من زشت است و خدمت نماینده محترم عرض کردم که از این مذاکرات مشمئز میشوم که دولت در حقیقت متصدی شیره پزی بشود و سهم هملکی را بسازد و مهر دولتی را بزند مثل اینکه نستجیر بالله مسکرات را بیع کند و اگر بیع هم بشود نکونیند که هر کسی میخواید بخرد در فلان محل که دولت معین کرده است بهر بطریقی مثلاً دو تومان جزای نقدی بدهد بنده خیلی برای دولت بیشرافی میدانم بلکه اگر مالیات را اکثریت مجلس علماء و آقایان تجویز میکنند که بیع و شرایش جایز است همان طوریکه آقای وکیل التجار تجویز و تصویب کردند خیال ما ایشان مطابق است و علاوه يك نکته را هم متذکر میشوم که آنهم بشرحی است بر می خورد و آن اینست که اجبار کردن کسی را که دارای يك مالی که مالیت دارد و شرع مقدس که ما پیرو آن هستیم او را حکماً مجبور کنند که باید بدولت بفروشد و مشروع و مسموع نیست .

وزیر مالیه - عرض می شود در اینکه تریاك هم خودش و هم سوخته اش از چیز های خیلی مضر است و هم کشیدنش و خوردنش و هم کشیدن سوخته اش مضر است در این شکی وشبه نیست ولی بنده اینست طلب را نگاه میکنم یکی ز تکالیف دولت همان حفظ صحت اهل مملکت است میخوام بدانم بچه شکل دولت باید جلوگیری از ابتکار بکند یا اینکه اصلاً اینرا اخذ کند و فغانی بکند که هیچ کشیده نشود و تمام بکند و اگر يك شکل دیگر باید جلوگیری بکند لامحال باید دولت داخل ابتکار بشود بالا اینکه چون مضر است چون خبیث است چون بعضی از علماء حکم بخباثت و نجاستش داده اند باید بکلی آزاد گذاشت که بعد از این مردم به منظور آرادانه استعمال کنند این علاج نخواهد کرد شما ملاحظه نقطه نظر دولت را بکنید که مقصود دولت از ابتکار چیست مقصود اینست که متدرجاً اینرا از مردم بگیرد که دست مردم باورسد و طبیعت انسانی بيك چیزی که مایل شد آنکار را میکند آقایان هم که آن حکم را کرده اند نظرشان بمضرتش بوده است و الا نظر دیگری نداشته اند باینجهت بنده عرض میکنم که مبیاید کاری بکنیم که استعمال آنها کم و راه آنها مسدود بکنیم باین نظر بنده عرض میکنم که همین ترتیب که شاید بهترین راهها باشد از برای سد کردن استعمال این قسم هملک و نظری دیگری نداشته ام پس باید جلوگیری از این مضرت بشود .

حاج شیخ الرئیس - فرمایشات وزیر مالیه بنده را مجبور کرد که يك توضیحی بدهم بر عرض خودم و آن اینست که اولاً حکم بنجاست را بنده عرض نکردم زیرا نظر علماء در این فتوی اینست که

جزء خبائث است (حرمت علیکم الخبائث) خیلی چیزها است که داخل خبائث است که خوردن و استعمال آن حرام نیست و علاوه بر این از این نظر آقایان وزیر مالیه فرمودند بنده بر همین نقطه اعتراض دارم زهرا که بان طریقی که میخوایند جلوگیری از این سم مهلك بکنند که در حقیقت عرق حیمت و غیرت انسانیت و بشریت را از اهل میکند و انسانرا جماد میکند این نیست زیرا که هر تحمیلی که بر تریاك وشیره بشود کسانی که مبتلا باین سم مهلك هستند یا اقربا و اقبتا هستند یا اقربا و بیاضفا اگر اقربا و غنیها هستند يك ضرر مختصری را تحمل میکنند نهایت اینست که قرا و ضعفا زودتر خواهند مرد و ترك نخواهند کرد و انعام اولیاء دولت اگر بخوایند جلوگیری بکنند (چون فرمودند نظر وزیر مالیه و وزراء عظام این است) - این قطه نظر بسیار مدوح است اما راه جلوگیری اینست که وزراء عظام و رئیس الوزرا و وزیر مالیه و کسانی که قطع اینگونه امورند بيك اعلان بکنند و دنبال او میروند و از جمله اعلاناتی باشد که تخصیص و تخصص بردارند باشد که استثناء داشته باشد که اگر کسی بعد از این دیده شد شنیده شد معلوم شد (که حالا تریاك را میکشد که اقل ضرراً هست) و هر کسی شیره تریاك را بسازد و بفروشد فلا تقدر مجازات نقدی برای او معین است که خواهد گرفت و چند ماهه او را حبس میکنند بنده گمان میکنم اگر بجدیت دولت این قانون یعنی این اعلان را بکنند بهترین ترتیب و اسباب است چنانچه البته میدانید در روزنامه ها میخوانید کسانی که خواسته اند از ابتکار جلوگیری بکنند شاید بارها انبار های تریاك را آتش زده اند و يك ضرر خیلی بزرگی را تحمل کرده اند برای اینکه حفظ صحت عمومی بشود و اینطریقه و قانون اگر از مجلس بگذرد بنده گمان نمیکنم که بيك فایده برای دولت داشته باشد ولی آن منفعتی که در حقیقت که باید نقطه نظر اولیای دولت و وکلای ملت باشد این باید در مجلس حفظ الصحت در مجلس اطباء کثرتاً بکند ترتیبی که برای جلوگیری کسانی که مبتلا هستند و بجزم برای آنها نیکه از کتاب میکنند معین میکنند نه اینکه دولت شیره بسازد و بفروشد و بفروشد البته چون در جاهای مخصوص با هر حکومت درست میشود شیره کشها خیلی متشکرنند و خیلی اسباب راحتشان شده است زیرا که شیره ساخته و پرداخته را میروند و میگیرند بی خوف و خطر از این جهت بنده عرض میکنم که انحصار شیره ساختن و فروختن بدولت ابتدا بآن نقطه نظری که وزیر مالیه فرمودند فایده نمی کند بلکه اشاعه يك متکری است که بنظر من بدتر از مکر است .

وزیر مالیه - بنده مجبورم که در این توضیح هم يك توضیحی بدهم و آن اینست که بتجربه رسیده است و تاریخ بما ثابت کرده است بتهدید و نصیحت مردم دست از قبایح اعمال خودشان بر نداشته اند مگر اینکه بيك اسبابی فراهم بیاورد که آنها نتوانند برسد باین مقصود خودشان بنده عرض نمی کنم که آنها نیکه صاحب ثروتی هستند ترك خواهند کرد شیره کشیدن را و آنها نیکه ضعفا هستند نمیروند ولی این ترتیب منع میکند از اینکه اشخاصی که تازه که باین آزادی و باین سهولت دیگر اقدام نکنند این مسلم است که بيك جماعتی که آلوده شده اند باین آرایش باقی میمانند تا آخر عمرشان ولی اینطور چیزها وقتی که جلوگیری و سخت گیری شد منع

جزء خبائث است (حرمت علیکم الخبائث) خیلی چیزها است که داخل خبائث است که خوردن و استعمال آن حرام نیست و علاوه بر این از این نظر آقایان وزیر مالیه فرمودند بنده بر همین نقطه اعتراض دارم زهرا که بان طریقی که میخوایند جلوگیری از این سم مهلك بکنند که در حقیقت عرق حیمت و غیرت انسانیت و بشریت را از اهل میکند و انسانرا جماد میکند این نیست زیرا که هر تحمیلی که بر تریاك وشیره بشود کسانی که مبتلا باین سم مهلك هستند یا اقربا و اقبتا هستند یا اقربا و بیاضفا اگر اقربا و غنیها هستند يك ضرر مختصری را تحمل میکنند نهایت اینست که قرا و ضعفا زودتر خواهند مرد و ترك نخواهند کرد و انعام اولیاء دولت اگر بخوایند جلوگیری بکنند (چون فرمودند نظر وزیر مالیه و وزراء عظام این است) - این قطه نظر بسیار مدوح است اما راه جلوگیری اینست که وزراء عظام و رئیس الوزرا و وزیر مالیه و کسانی که قطع اینگونه امورند بيك اعلان بکنند و دنبال او میروند و از جمله اعلاناتی باشد که تخصیص و تخصص بردارند باشد که استثناء داشته باشد که اگر کسی بعد از این دیده شد شنیده شد معلوم شد (که حالا تریاك را میکشد که اقل ضرراً هست) و هر کسی شیره تریاك را بسازد و بفروشد فلا تقدر مجازات نقدی برای او معین است که خواهد گرفت و چند ماهه او را حبس میکنند بنده گمان میکنم اگر بجدیت دولت این قانون یعنی این اعلان را بکنند بهترین ترتیب و اسباب است چنانچه البته میدانید در روزنامه ها میخوانید کسانی که خواسته اند از ابتکار جلوگیری بکنند شاید بارها انبار های تریاك را آتش زده اند و يك ضرر خیلی بزرگی را تحمل کرده اند برای اینکه حفظ صحت عمومی بشود و اینطریقه و قانون اگر از مجلس بگذرد بنده گمان نمیکنم که بيك فایده برای دولت داشته باشد ولی آن منفعتی که در حقیقت که باید نقطه نظر اولیای دولت و وکلای ملت باشد این باید در مجلس حفظ الصحت در مجلس اطباء کثرتاً بکند ترتیبی که برای جلوگیری کسانی که مبتلا هستند و بجزم برای آنها نیکه از کتاب میکنند معین میکنند نه اینکه دولت شیره بسازد و بفروشد و بفروشد البته چون در جاهای مخصوص با هر حکومت درست میشود شیره کشها خیلی متشکرنند و خیلی اسباب راحتشان شده است زیرا که شیره ساخته و پرداخته را میروند و میگیرند بی خوف و خطر از این جهت بنده عرض میکنم که انحصار شیره ساختن و فروختن بدولت ابتدا بآن نقطه نظری که وزیر مالیه فرمودند فایده نمی کند بلکه اشاعه يك متکری است که بنظر من بدتر از مکر است .

وزیر مالیه - عرض می شود در اینکه تریاك هم خودش و هم سوخته اش از چیز های خیلی مضر است و هم کشیدنش و خوردنش و هم کشیدن سوخته اش مضر است در این شکی وشبه نیست ولی بنده اینست طلب را نگاه میکنم یکی ز تکالیف دولت همان حفظ صحت اهل مملکت است میخوام بدانم بچه شکل دولت باید جلوگیری از ابتکار بکند یا اینکه اصلاً اینرا اخذ کند و فغانی بکند که هیچ کشیده نشود و تمام بکند و اگر يك شکل دیگر باید جلوگیری بکند لامحال باید دولت داخل ابتکار بشود بالا اینکه چون مضر است چون خبیث است چون بعضی از علماء حکم بخباثت و نجاستش داده اند باید بکلی آزاد گذاشت که بعد از این مردم به منظور آرادانه استعمال کنند این علاج نخواهد کرد شما ملاحظه نقطه نظر دولت را بکنید که مقصود دولت از ابتکار چیست مقصود اینست که متدرجاً اینرا از مردم بگیرد که دست مردم باورسد و طبیعت انسانی بيك چیزی که مایل شد آنکار را میکند آقایان هم که آن حکم را کرده اند نظرشان بمضرتش بوده است و الا نظر دیگری نداشته اند باینجهت بنده عرض میکنم که مبیاید کاری بکنیم که استعمال آنها کم و راه آنها مسدود بکنیم باین نظر بنده عرض میکنم که همین ترتیب که شاید بهترین راهها باشد از برای سد کردن استعمال این قسم هملک و نظری دیگری نداشته ام پس باید جلوگیری از این مضرت بشود .

حاج شیخ الرئیس - فرمایشات وزیر مالیه بنده را مجبور کرد که يك توضیحی بدهم بر عرض خودم و آن اینست که اولاً حکم بنجاست را بنده عرض نکردم زیرا نظر علماء در این فتوی اینست که

جزء خبائث است (حرمت علیکم الخبائث) خیلی چیزها است که داخل خبائث است که خوردن و استعمال آن حرام نیست و علاوه بر این از این نظر آقایان وزیر مالیه فرمودند بنده بر همین نقطه اعتراض دارم زهرا که بان طریقی که میخوایند جلوگیری از این سم مهلك بکنند که در حقیقت عرق حیمت و غیرت انسانیت و بشریت را از اهل میکند و انسانرا جماد میکند این نیست زیرا که هر تحمیلی که بر تریاك وشیره بشود کسانی که مبتلا باین سم مهلك هستند یا اقربا و اقبتا هستند یا اقربا و بیاضفا اگر اقربا و غنیها هستند يك ضرر مختصری را تحمل میکنند نهایت اینست که قرا و ضعفا زودتر خواهند مرد و ترك نخواهند کرد و انعام اولیاء دولت اگر بخوایند جلوگیری بکنند (چون فرمودند نظر وزیر مالیه و وزراء عظام این است) - این قطه نظر بسیار مدوح است اما راه جلوگیری اینست که وزراء عظام و رئیس الوزرا و وزیر مالیه و کسانی که قطع اینگونه امورند بيك اعلان بکنند و دنبال او میروند و از جمله اعلاناتی باشد که تخصیص و تخصص بردارند باشد که استثناء داشته باشد که اگر کسی بعد از این دیده شد شنیده شد معلوم شد (که حالا تریاك را میکشد که اقل ضرراً هست) و هر کسی شیره تریاك را بسازد و بفروشد فلا تقدر مجازات نقدی برای او معین است که خواهد گرفت و چند ماهه او را حبس میکنند بنده گمان میکنم اگر بجدیت دولت این قانون یعنی این اعلان را بکنند بهترین ترتیب و اسباب است چنانچه البته میدانید در روزنامه ها میخوانید کسانی که خواسته اند از ابتکار جلوگیری بکنند شاید بارها انبار های تریاك را آتش زده اند و يك ضرر خیلی بزرگی را تحمل کرده اند برای اینکه حفظ صحت عمومی بشود و اینطریقه و قانون اگر از مجلس بگذرد بنده گمان نمیکنم که بيك فایده برای دولت داشته باشد ولی آن منفعتی که در حقیقت که باید نقطه نظر اولیای دولت و وکلای ملت باشد این باید در مجلس حفظ الصحت در مجلس اطباء کثرتاً بکند ترتیبی که برای جلوگیری کسانی که مبتلا هستند و بجزم برای آنها نیکه از کتاب میکنند معین میکنند نه اینکه دولت شیره بسازد و بفروشد و بفروشد البته چون در جاهای مخصوص با هر حکومت درست میشود شیره کشها خیلی متشکرنند و خیلی اسباب راحتشان شده است زیرا که شیره ساخته و پرداخته را میروند و میگیرند بی خوف و خطر از این جهت بنده عرض میکنم که انحصار شیره ساختن و فروختن بدولت ابتدا بآن نقطه نظری که وزیر مالیه فرمودند فایده نمی کند بلکه اشاعه يك متکری است که بنظر من بدتر از مکر است .

میکنند که مردمان دیگری و اعقاب آنها مرتکب این کار نشوند باین سهولت نمی شود مگر بجلو گیری این مسلم است که جلو گیری مفید فایده بوده است و این جلو گیری همیشه خوب بوده است و اینکه این شیره تریاك را دولت اداره بکنند بنده اینرا قبول ندارم که بيك وهنی هم باشد برای دولت بلکه این يك سبب خیلی قوی خواهد بود از برای اینکه از این کار جلو گیری بشود و اینکه می فرمایند این اسباب این شده است که مردم میروند و از آن نقطه معین آنرا آزادانه میخرند و می آورند بجهت این است که آنطوری که می بایست قیمتش زیاد نشده است و حالا بطور سهل سه شاهی علاوه می دهند و آن شیره را میخرند ولی اگر این پنج شاهی دو قران بشود با شکلی بشود که آنها نتوانند این را بدست بیاورند البته ترك میکنند .

نایب رئیس - بعضی از نمایندگان که بی خبری می کنند در رسیدن نوبت از این جهت بایشان لازم است عرض کنم که بیست و دو نفر اجازه خواسته اند و بترتیب باید به ایشان اجازه داده شود .

سماشف - در مواد وضع قوانین مالیات کلیتاً نقطه نظر بنده نقطه نظر ثروتی و تجارتي است بنده همیشه ملاحظه تجارت را می کنم و آن کسانی که تریاك و شیره میکشند بنده ابتدا بخیال آنها نیستم بلکه اگر يك آوری شود که نکشند و ببرند بنده صحیح می دانم ولی می دانند آقایان که این سوخته بيك مال التجاره شده است در ایران و اینطوری که می فرمایند صحیح نیست و این دفاعی هم که آقای مخبر تا حال کرده اند این دفاع هم نسبت بقانونی که تا حال از مجلس نگذشته است مناسبیتی ندارد این ماده دوم است چون در این يك حاله این طور بشود که هر کسی تجارت سوخته می کند که از بيك مرکز حمل میکند باید بيك پولی بدولت بدهد بیست درصد یا ده درصد اختیاری داشته باشد در جزو آن و آن متناهی با آن ترتیبی که در این یکسال معمول بوده است ندارد و قانون همیشه حکم است بین دولت و مردم و تکلیف هم معلوم باشد وقتی که قانون بطور صحیح و صریح نمی نویسد که تکلیف دارنده این شئی چیست یعنی کسانی که شغلشان این بوده است که تجارت این را داشته اند و از تاریخ گذشتن این قانون تکلیف آنها چیست این را بنده صحیح نمی دانم زیرا که بایست در این ماده قید شود که کسانی که سوخته تریاك دارند تا بيك مدت مخصوصی بیاورند درم گزی که از طرف دولت اعلان میشود و در قانون باید نوشته شود که بمظنه روز یا بيك مظنه که درست باشد بفروشد چون اگر این ترتیب نباشد ممکن است که دولت میخواید از مردم بخرد چون انحصار است و مجبور است که کمتر بخواید بخرد بيك خسارت فوق العاده به تجار وارد بیاید ما خیلی باید ملاحظه این را بکنیم که بمردم صدمه نرسد تمام وضع این مالیاتها محض رفاهیت و فراهم شدن ثروت مردم است و ماقبلاً در بند امر نباید کاری بکنیم که بيك صدمه به ثروت آنها وارد بیاید ما باید بيك اندازه ملاحظه بکنیم

و در جلسه گذشته هم بنده عرض کردم راجع بیک مسئله است که کسانی که دارای این مال التجاره اند تکلیف آنها همین شود بلاوجه وقتی را مهلت داشته باشند که آن مالی را که دارند بمصرف برسانند که خسارت نکشند این ماده که هیچ معلوم نمی کند که تکلیف کسانی که تجارت اینکار را و از هر چه بوده است و بنده چون ماده یک با اکثریت از مجلس گذشت و لازم ندیده اند در مقابل عرایض بنده شرح داده نشود که این مالیات تریاک را چه جور میگیرند آقای مغیر توضیح بدهند که این توضیح ایشان توضیح قانون بشود چون قانون گذشته است بنده نمی دانم این سبب دینار که گرفته می شود از تریاک مالیده است یا اینکه اگر مالیده است و شیره مستنانه است خوب است آنرا توضیح بفرمایند که آن کسانی که دارای شیره هستند از این مالیات معاف هستند و تکلیف خود را بپردازند

فهییم الملک - بنده فرمایشات آقای کاشف را هیچ ملتفت نشدم - عرض می کنم مقصود اول فرمایشات آقای کاشف را نفهمیدم اول فرمودند که نظر بنده بتجارت است و بعد سایر فرمایشات ایشان راجع باشخصی بود که شیره استعمال میکنند و باید ملاحظه حالشان را کرد همین طور بنده شنیدم ولیکن همین قدر عرض میکنم که در اداره مالیه و تجدید تریاک یک مدتی از سال همین طور که فرمودید جواز می گرفتند از برای خرید فردوسی یک مدتی است که انحصار کرده اند و هر جا که خرید و فروش میکنند برای دولت میکنند و اول فرارشان این بود که برای تریاک مثقالی سیصد دینار و عقیده شان این بود یعنی اینطور مذاکره شد که از برای سوخته هم همین طور مثقالی سیصد دینار قرار بدهند بعد مطابق ترتیباتی که در این چند ماه اخیر معمول داشته اند و مذاکره شد که همین طور انحصار باشد و آن ترتیبی که داده اند آن ترتیب بعمل نمی آید و علاوه اسبابی دیگر فراهم می آید که در هر جا باشد اسباب زحمت فراهم می آید و نرخ را همین طور بهمان نرخ عادلانه که در آنجا معمول بوده است و می خریدند دولت خواهد خرید اما قسمت اولی را اگر رجوع بفرمایند بصورت مجلس خواهند یافت که آن رأی که داده شده است از برای ترتیب تریاک همه قسم حدود همین شده است.

کاشف - بنده توضیح دارم .

نایب رئیس - یاد آوری میکنم که توضیح دادن وقتی است که سوء تفاهمی می شود آنوقت آن نماینده می تواند در رفع آن توضیح بدهد و این سبب می شود که بعضی از آقایان توضیح را وسیله قرار می دهند و نظایر مفصل می شود متنی هستم که از حدود توضیح خارج نشوند

کاشف - اظهارات آقای مغیر را بنده تکذیب میکنم ایشان ملتفت اظهارات بنده نشدند و جواب بنده را ندادند محض زحمت تریاک کشها نگفتم و محض زحمت تجارت گفتم و جواب عرایض بنده داده نشده و بازم توضیح می خواهم .

محمد هاشم میرزا - اولاً می خواهم این مطلب را عرض کنم که مکرر وقت مجلس توضیح

شده است در این باب و هیچ در مطالبیکه از برای آقایان نظریات شرعی پیدا می شود عقیده بنده این است که بمذاکره کردن در مجلس حل نخواهد شد چون در اصل موضوع مذاکره است و چنانچه آقای حاج شیخ الرئیس فرمودند نظری هست خوب است با آقایان رجوع بفرمائید بجهت اینکه نظر منظری است که راجع بقانون گذاری است و هیچ نظری در مخالفت یا موافقت با قوانین شرع ندارد بجهت اینکه فرمودند که اکثریت بهر چه تعلق بگیرد اینطور نیست اکثریت ما هیچ تغییر در احکام شرع نمی تواند بدهد خوب است دیگر در این باب مذاکره نکنند اما در این موضوع علاوه بر آنکه سوخته که معمول است و در اینجا منحصر شده است بدولت شیره که از سوخته تریاک گرفته می شود که الان هم در اینجا خوانده شده است باز سوخته دارد و همین طور الی غیر اینها به از قرار هر سیری ۱۲ مثقال شیره او را میکشند همیشه اسمش این است پس یک قیدی از برای آنها می باید کرد این را در اینجا باین قیمتیکه تجدید تریاک را معمول می دارند ننوخته اند در این باب اگر توضیحی دارند بفرمایند والا بنده پیشنهاد میکنم که هم سوخته تریاک انحصار بدولت داشته باشد که هم سوخته که از آن سوخته اولی و ما بهر ش حاصل می شود منحصر آوا گذار بدولت باشد و اینجا هیچ لفظی از برای قیمت عادلانه نوشته نشده در ماده های دیگر هر جا که قیمت عادلانه نوشته اند کفایت می کند بنده قیمت عادلانه را هم در این مسئله پیشنهاد می کنم و همچنین این دو لفظ یکی شیره سوخته تریاک را یکی سوخته آنرا تا هر اندازه که باشد انحصار بدولت کرده ام

حاجی سید حسن مدرس قمشه -

اولاً نظر می خواهم که صحبت داشتن بنده قدری زود است بواسطه اینکه عاقل تا بصیرت پیدا نکند سوار نیست که صحبت بکنند لیکن آن ضرورت تبیح الحظوظات فرمایشاتیکه فرمودند بخصوص آقای وکیل التجار و این چند جلسه هم بنده تجربه کردم که هر مطلبی که وزیر مالیه متعلق فرشان است آخر همان می شود خصوصاً گرم ژوبه بفرمایشات مغیر شد الا این که مبنای این مسئله خراب است بواسطه این که عنوان مضارست یکدفعه می خواهند مالیات به بنده مسئله نیست بگویند آن قدر باید بدید یا هر کسی سوخته دارد همه اش را بدهد یک دفعه بواسطه رفیع فساد حکمی می خواهید بکنید که واقفاً رقم فساد بشود این میزانی دارد یقیناً اینهایی که امنای شرعند تجویز خواهند کرد کما این که در این عنوان مجلس منعقد شد در اصفهان قبل از این که گفتگو در اینجا هم بشود بجهت مصارف نظمی و بنا بر این شرحه همین مطلب را تصویب کردند اما روی عنوان مضارست عنوان مضار روی تریاک نیست تریاک مالیده بجهت کشیدن این عنوان مضارست مضرم مشخص نیست بواسطه اینکه خیلی از اشخاص تریاک میکشند و بزاج آنها سازگار است نوعی است مسئله نوعی رافع می خواهد بعضی فرمودند ظاهراً من درست نفهمیدم چه وزیر داخله جریمه بگیرند این رافع مضر نوعی نیست بواسطه اینکه من بپاره تریاک میکشم بزاج

من میسازد وزیر داخله مرا بگیرد چوم میزند و هم چنین رافع باید نوعی باشد مال مردم برانم بخرم بچه خیال چه دخیلی بداهت نوعی دارد چه ربطی دارد بشما اگر میخواهید بجهت دفع ضرر اینکار را بکنید اگر بواسطه نفع است هر کسی تریاک دارد نصفش را بدهد بدولت این دفع نمیکند اگر واقعا فرض این است که این چیزی که مملکت ما را خراب کرد مسلمین را کم کرد فواش را زیاد کرد فقیر را در مملکت ماریاد کرد میخواهید واقفاً این را رفع کنید دیروز حاج دکتر رضاخان فرمودند تریاک مالیده آقای مغیر فرمودند نمی خواهد پس نهانه است برای اینکه مالیاتی بگیرند الا مضر مخصوص تریاک مالیده کشیدن است چه دلیل دارد که رد میکنید که نباید لفظ مالیده نوشته شود این خلاف برای مجلس است میثالی در دست نیست از روی هوا و هوس است اید امینی در دست نیست صریح میگویم اگر میخواهید خدمت بمتان بکنید این یک امر عاجله است به بنده کجا عیب دارد همان جارا رفع کنید از اجمله وزیر مالیه دیروز فرمودند که حکایت مالیدنش هم بیک ترتیبی دارد ولی معین فرزند و گویا جهش این بود که تریاک را بیاورند یک جایی مخصوص اشخاص مخصوص بمالند آنوقت کاغذ رویش بچسباند و بفروشد چون آقایانی که تهران تشریف دارند از جمای دیگر خبر ندارند بنده از اصفهان و خرامان و همین طهران خردارم تهران تریاک بدارد از دروازه تریاک وارد میشود میآورند نظمی وزارت مالیه میگیرند جاهائیکه خودشان تریاک مالی دارند خودشان تریاک کارند و شیره کشند اینها فرق می کند تصور نکنند که آیا جلو گیری نوعی چیست خواهش دارم خصوص اهل سلسله خودم گوش بدهند بجهت اینکه از آنها من زود می شنوم آقا را عرض کردم که هر چه عرض کردم بشنوند بجهت آنکه هر چه خطا کردم و فرمودند زودتر می شنوم مقاسد نوعیه رافع نوعی می خواهد حالا که علاءالحمده می خواهند یک خدمت نوعی بفرمایند خیلی خوب در ضمن هم یک پولی پیدا شد عیبی ندارد میدانم اهل علم و اهل شرع هم تصویب می کنند اما اینجا فرض در آن نیست آنجا که فرض در آن است رواج هم نخواهد گرفت بگویند تریاک مالیده مضارست انحصار هم غلط این جلو گیری نیست انحصار مالیدنش که مانع نیست کتک زدنش غلط کتک زدنش که جلو گیری نیست جریمه کردنش هم غلط جلو گیری نوعی را جماعتی نسبتاً بیان می کردند نوعاً اگر شخصی من هم واقفاً بدانم ضرر نداشته باشم بهزار نفر دیگر هم که ضرر داشته باشد واقفاً جبران می کنند حالا یکشاهی صد دینار بکفران یا زیاد تر یا کمتر این است عقیده من که اظهار کردم (من حیث العصبیه ومن حیث النظاره)

فهییم الملک - در مطالب پریروز آقا توجه

فرمودند که وقتیکه آقای حاج دکتر رضاخان فرمودند مالیده قید شود اول بنده عرض کردم که ضرر ندارد لفظ مالید را بنویسید شما می فرمائید مغیر گفته است بنویسند بعد رأی گرفته شد و هیچطور که می فرمایند درش بعد مذاکره شد و گفتند که اینجا مالیده را قید کنیم از آن شیره مالیده نمی شود چیزی گرفت آنرا حکماً باید بنویسند و نمیشود از آن چیزی بگیرند چون محل استعمالش خیلی کم است بعد باید ببرند بمالند تا آن بتوان مالیات گرفت این یک بنده ردمی کنم تجاری که مداخله می کنند در خرید

ضرر احتمالی است در حقیقت مالیات را از تریاک مالیده می گیریم نه شیره آنوقت از هر مثقال تریاک ممکن است بیش از سیصد دینار گرفت چون معمولاً باصطلاح تجارتی آنرا هم شیره می گویند تریاک هم می گویند بعد وزارت مالیه با آن تجارتیکه دارای شیره هستند و باید وزارت مالیه مواظب باشد وقتیکه آنها را تریاک کردند آنوقت مالیات بان تعاق می گیرد پریروز هم بنده اینجا عرض کردم که لفظ مالیده باشد بعضی از آقایان فرمودند که حکماً باید فقط تریاک باشد .

[در این موقع پیشنهادهای ذیل قرائت شد] [پیشنهاد حاج آقا]

بنده پیشنهاد می کنم که ذیل این ماده اینطور نوشته شود - و هر مثقال شیره سوخته هر قدری برای دولت تمام شود از تاریخ وضع این قانون تا یک سال باضافه سیصد دینار و از سال دوم بعد هر سال بهر مثقال یکصد دینار بر مالیات سال قبل افزوده می شود تا وقتیکه مالیات در هر مثقالی سی شاهی برسد (پیشنهاد آقای وکیل التجار)

بنده پیشنهاد می کنم که سوخته را هم مالی تریاک و بهمان ترتیب که از طرف کمیسیون تصویب شده مالیات بگذارند فقط انحصار این موقوف کشته دولت من خیلی سهلتر است که سوخته تریاک را بخرند و شیره بکشند و بفروشد باشخصی که میخواهند بخرانند چراغ بگذارند و بکشند .

این بنده پیشنهاد می کنم که چون ماده دوم دارای دو مطلب جدا است تجزیه شود و این قسم اصلاح شود .

ماده دوم - خرید سوخته تریاک و فروش شیره آن مخصوص و منحصر بدولت است .

ماده سوم - در هر مثال شیره سوخته تریاک علاوه بر قیمت که برای دولت تمام شده است مبلغ سیصد دینار اضافه بفروش .

(پیشنهاد محمد هاشم میرزا) بنده پیشنهاد می کنم که افزوده شود سوخته تریاک و سوخته شیره سوخته را دولت قیمت عادلانه خریداری نموده تا آخر .

دکتر علیخان - بنده یک فرمایشی اولاً کردند که لازم می دانم رد کنم فرمودند تریاک به مزاجی می سازد این حرفی است که هیچکس نباید بگوید و هیچکس نباید بشنود تریاک از برای تمام اشخاص حتی از برای اشخاصیکه چند روزی با آنها می سازد و چاق میشوند مضارست کلیتاً ضرر شخصی و نوعی و مملکتی همه چیز دارد ثانیاً اینکه همین طوری که آقای حاج شیخ الرئیس اظهارات خیلی صحیح فرمودند واقفاً بنده هم اینجا برای دولت خیلی نازوا می دانم که کار خیلی غلطی است اگر چه نظر صحیحی هم در باطن داشته باشد ولی اینکه متصدی این شود که سوخته تریاک بسازد و بفروشد هر چه هم که خواهد این را بفرمایند که فرض صحیحی دارم این اسباب این می شود که می گویند دولت ایران امروز الحمدلله می خواهد کار بکند این یکی از اقدامات دولت است که شیره فروشی باز کرده باید قدغن کرد و همان اندازه که در تریاک ما رأی دادیم کافی است و آن اظهار را هم که آقای کاشف فرمودند این را هم بنده ردمی کنم تجاری که مداخله می کنند در خرید

و فروش سوخته هر قدر هم با آنها ضرر وارد بیاید بنده جایز می دانم دخیلی ضررهای صحیح است و خوب است که از این تجارت چشم پوشند عقیده بنده این است که سوخته تریاک را دولت باید بکلی ضبط کند و چطور که رأی دادند که زوده را ضبط کند و کسی حرفی نزد چرا رأی نمی دهند دولت سوخته را بکلی ضبط کند و اشخاصی که استعمال سوخته و شیره میکنند در کمال خوبی میتوانند آنرا مبدل کنند بتریاک تا آنکه نیرند و کم کم عادت خواهند کرد تا اینکه آنها را که زنده هستند عادت بکنند و اسباب این شود که رفته رفته ترک شود دولت تکلیفش این است که اعلان بکنند که بکلی منع استعمال سوخته و شیره ممنوع است بعد هم جد میکنند در اینکه حتماً هر کسی در هر جا سوخته دارد آنها را بگیرند و ضبط بکنند و اینکار را بنظر خیلی مشکل بیاید گمان می کنم در باطن خیلی مشکل نیست بجهت اینکه آنها را که تریاک میخرند معلوم و آنها را هم که می فروشند معلوم است و این هم معین است از روی حساب که هر قدر که تریاک چه سوخته دارد آنوقت هر قدری که باشخص که تریاک می فروشند دادند مجبور بکنند و سوخته اش را رد بکنند هر کاری اولش مشکل است ولی اینکار بنظر من خیلی سهلتر است که سوخته تریاک را بخرند و شیره بکشند و بفروشد باشخصی که میخواهند بخرانند چراغ بگذارند و بکشند .

حاج امام جمعه - از این مذاکراتی که

شد بگذردی سوء تفاهمی شده است شیر تریاک منفعتی که از آن حاصل می شود همان کشیدنش است اگر همه اطباء متفق بشوند که همه مضر است آنوقت همان طوریکه آقای دکتر گفت کشیدن آنهم حرام میشود چون حرام شدن کشیدن با حرام شدن تریاک تفاوت ندارد چون تریاک هم اگر کشیدنش موقوف و معرم باشد بعضی منافع محله دیگر دارد از این جهت خرید و فروش آن حلال است اما این سوخته منفعت آن منحصر است بکشیدن اگر کشیدنش بطوریکه اطباء میگویند مضر است آنوقت دیگر خرید و فروش این حرام است جایز نیست من هم میگویم همانطوریکه اظهار کردند اینجا که عیب دارد اولاً چیزیکه مالیات دارد از دست مردم گرفتن و منحصر کردن این صحیح نیست نه شویک چنین کاری کرد و اگر مالیات این محتمل است و ضرر این متیقن است که همین طور گفتند خوب است آنوقت کلیتاً ضبط کنند و تلفش بکنند نه اینکه شیره بکشند و بفروشد در اینجا یک قدری سوء تفاهمی شده است .

کاشف - در صورتی که نقطه نظر دولت

ضبط و فنا کردن سوخته باشد بنده موافق با آقای دکتر علیخان ولی چون می دانم مقصود این نیست پس بکلی مخالفم رد می کنم باینکه کلیتاً هیچ قانونی در هیچ جایی وضع نمی شود تا آن قانون منتشر نشود و شما هم در کلیه قوانین یک چیزی که به نظر من مضر می آید بنده حرف ندارم که مضر است ولی در کلیه قوانین باید مسوق باشند

شیبانی - بعد از فرمایشات آقایان

بنده هیچ مقتضی نمی بینم که عرضی کنم ولی همین قدر می خواهم عرض کنم که حالا که بنا هست انحصار بدولت پیدا کنند گمان می کنم که هیچوقت دخل این مطابقه نخواهد کرد باخرجش پس مجلس هم تقریباً اینطیلب رارد کرده است حالاً ردد کرده اند یا نکرده اند بنده بعد از فرمایش آقای دکتر علی خان عرضی نمی کنم ولی همینطور که فرمودند خرید و فروش اینهم تقریباً حرام می شود پس بایه یک مدتی راهمالت گذاشت از برای کسانی که عیالاً گرفتار و مبتلا هستند یک اعلان عمومی داد که تا فلان مدت را مهلت دارند که هم بتجارت سکنه نرسد و هم آن اشخاص که بر تریاک معتاد هستند به یک چیز دیگری خودشان را عادت بدهند و کم کنند که آنوقت دولت قدغن کرد شیره را بکلی ضبط کنند و بکلی قدغن بکنند که هیچ شیره نکشند در مملکت در این مدت یک فکری برای خودشان کرده باشند .

وزیر مالیه - بنده اولاً در اینجا باید یک

اظهار شکایت مختصری کنم که چه وزیری ملت چه وکلای ملت اینها بجهت خاطر خودشان حرف نمی زنند برای اصلاح نوعی اینجا یک حرفی می زنند و اگر مجلس یک رأی می دهد بجهت خاطر وزیر رأی نمی دهد بجهت اینکه اگر آقایان بخواهند رأی بدهند این دخلی بشخصیات ندارد که باین شکل حمله بشخص بشود اما حالا آمدیم سر مطلب بنده خودم شخصاً نقیلبان میگویم و نه سیکار و نه تریاک و نه هیچ چیز دیگر و در مضرت تریاک چه شیره تریاک چه مالیه تریاک و سوخته تریاک چه سوخته سوخته باشد همین طور الی آخر هیچ شبهه ندارم همه جورش بااست و مضر است و تکلیف هیئت دولت در هر مملکتی اینست که جلو گیری بکنند از هر چیزیکه مضر بنوع است بهر ترتیبی که ممکن است و باید همه اقسام اینرا یک کاری بکنند که در مملکت منسوخ شود ولی بدبختانه وقتی که اهل یک مملکتی آورده شدند آنوقت تکلیف اینست که جلو گیری از اینکار بکنند متدرجاً بنده عرض می کنم که تمام قدغن ها و این ترتیباتی که اینجا ذکر می شود جلو گیری از این کار را نمی کند مگر گرفتن این چیز از دست مردم و تلف کردن و فانی کردن و یا اینکه یک قیمتی روی آن گذاشتن که مردم قهراً نتوانند به آن چیز برسند غیر از این از برای بنده دیگر فکری نیست والا اگر بخواهم مردم را مجبور کنم که هر کس ده مثقال تریاک بخواهد بخرد دو مثقال سوخته پس بدهد بنده عرض میکنم که این اجرائش از محالات است مگر اینکه یک وجهی باو بدهند نه اینکه بگویند سوخته این را پس بدهد و ایناورد پس بدهد والا مسلم است که تمامش مفعول میشود .

فهییم الملک - این ماده را خوب است بیک

که سیونی رجوع بفرمائید که یک نظری در آن بشود و ثانیاً مجلس بیاید .

وکیل التجار - بله بنده هم از جمله اشخاصی هستم که بعد از آنکه آن پیشنهاد قبول شد موافق هستم یعنی گمان میکنم که انشاءالله قبول

شود و قبول آنرا خیلی نافع میدانم آنوقت عریض خودم را خواهم کرد که این توقیف و معدوم بشود پسوزانند و بردارند و این را هم عرض می کنم گمانیکه سوخته میکشند وقتی که سوخته را معدوم کردند می توانند آنرا مبطل بکنند و ضررش هم کمتر است و گویا آن بهتر باشد ولی گمانیکه اهل فن هستند میدانند که اینها را میشود تبدیل کرد ولی اگر غیر از این باشد همین طور که فرمودند بنده عرض میکنم که در اینجا يك ماده پیشنهاد شده است که دولت بفرود آنرا و مثالی سیصد دینار علاوه کند و بفرود اگر اینطور رای بدیم در مجلس شورای ملی می خواهیم يك قانونی وضع بسکنیم و مردم را گول بزیم وقتیکه بماند که دولت این را بسازد بمثالی سیصد دینار تفاوت بمردم بدهد این چه جلوگیری است از آن گمانیکه آنرا می کشند نهایت آن کسیکه می کشد امروز سه شاهی میدهد فردا سیصد دینار خواهد داد والا اگر بگوئیم که دولت يك مقداری از این را معدوم میکند ما يك رای مجرمانه در مجلس نمی توانیم بدیم که باطناً يك چیز دیگر باشد فقط این خریدن او منحصرأ و او را ساختن و درست کردن و آنوقت مجلهائی برای دولت معین کردن که بفرود هیچ صحیح نیست و انحصارش هم همین طوریکه فرمودند ثمری ندارد و هیچ فایده با عاید نخواهد شد اینستکه استدعا میکنم از اینستکه دفاع نشود و فقط با همان ترتیب تریاک عمل شود یا اگر قبول شد که بکلی توقیف و معدوم صرف شود بنده آن همراهم.

نایب رئیس - دوسه پیشنهادی در این باب شده است قرائت میشود:

[پیشنهاد آقای دکتر علی خان بمشروع ذیل قرائت گردید].

بنده پیشنهاد می کنم که از آنجائیکه استعمال سوخته و شیره تریاک با اتفاق کایه اطبای عالم مضر بشخص و نسل و نوع است و هیچ استعمال جز برای کشیدن ندارد دولت استعمال آنرا شش ماه بعد از نشر این قانون بکلی قذف کرده که سوخته تریاک را در هر جا که باشد ضبط نماید - پیشنهاد حاج سید ابراهیم بنده پیشنهاد میکنم که ماده اینطور نوشته شود که پس از تاریخ وضع این قانون کلیه سوخته تریاک ضبط دولت خواهد شد.

پیشنهاد آقای میرزا ابراهیم نمی بنده پیشنهاد میکنم که تا يك سال از هر يك مثال سوخته تریاک دهشاهی مالیات بگیرند و بعد از يك سال بکلی کشیدن سوخته تریاک را قذف نمایند که در ظرف يك سال ترك این سم را نمایند.

نایب رئیس - ده دقیقه تنفس است [بعد از تنفس مجدداً جلسه تشکیل شد].

نایب رئیس - بر حسب تقاضای مخبر محترم کمیسیون قوانین مالیات ماده با پیشنهاد هائی که در آن خصوص شده بود بکمیسیون قوانین مالیات رجوع شد.

دکتر علیخان - ارجاع بکمیسیون در

صورتی است که اشکالی داشته باشد وقتیکه اشکالی نیست برای چه ارجاع بکمیسیون بشود در آن پیشنهاد هائی که شده است چرا رای نمی گیرند و می گذارند ۳ چهار روز بگذرد و برای نمایندگان تردیدی در این خصوص پیدا بشود مثل این که در خصوص پیشنهاد بنده قبل از تنفس اغلب نمایندگان حاضر بودند که رای بدهند بعد از آنکه تنفس دادند و الان همه رای ایشان منحرف شده است و حالا بنده اجازه می خواهم که در خصوص پیشنهاد خودم عرضی بکنم.

نایب رئیس - بر حسب نظامنامه داخلی مخبر کمیسیون همیشه حقی دارد که بخواهد مواد پیشنهاد هائی که در آن خصوص شده است بکمیسیون رجوع شود.

فهییم الملک - بنده این تقاضائی که کردم معلوم شد که اکثریت مجلس بر این بود که در این خصوص مذاکره بشود حالا در صورتی که آقایان میل داشته باشند که در این باب مذاکره بکنند بنده مانع نیستم مختارند.

دکتر علیخان - در این خصوص بعضی آقایان هستند که اشکالاتی نمی دانم بچه جهت وارد می آورند و حال این که بنده هیچ اشکالی در این

نمی بینم این بدهی است که هر کاری را که انسان می خواهد اقدام بکند در ابتدا يك قدری اشکالات خواهد داشت ولی همین که اقدام شد بتدریج رفع می شود بنده هیچ تصور نمی کنم که نمایندگان محترم که این جا حاضرند و هر کدام صاحب وجدان هستند يك روز وقت مجلس را صرف این بکنند که دولت سوخته تریاک را بفرود و شیره کند و بدهد مردم که بکشند این که سوخته میفرمایند را نمی شود جمع کرد بنده عرض می کنم اولاً تکلیف دولت نیست که يك چیز را که مضر است بشخص با انسانیت و بالاخره بجهه چیز آنرا درست بکند و بفرودد بلکه تکلیف دولت این است که بهر تدبیری که می داند قذف نماید حالا اجرائیش مشکل است واز پیش نمی رود دولت ادای وظیفه خود را کرده است و مجلس هم تکلیف خود را عمل کرده است باین که قذف کرده است که استعمال نکنند ثانیاً این که می فرمایند که نمی شود قذف کرد که استعمال نشود بنده عرض می کنم که می شود در کمال خوبی اولاً باید برای این مسئله ۶ ماه مدت قرارداد و بعد از شش ماه قذف نمایند ثانیاً دولت باید اعلان بکند بآن هائی که تریاک می فروشند که سوخته تریاک را از آن هائی که تریاک از ایشان می خرند مطالبه نمایند و همین طور که عرض کردم برای هر مثال تریاک می ممکن است معین کرد که چقدر سوخته دارد برای این که يك عده هستند که می خرند و این اشخاص يك عده فقرا هستند و يك عده اغنیاء و لابد برای هر مدتی که تریاک می خرند بعد از آن مدت باز محتاج بتریاک خواهند بود و چه خواهد شد که سوخته تریاک را بخرند بدهد بآورد و بدهد برای اینکه عرض کردم که محتاج است و باید بفرود استعمال کنند ثانیاً اینکه می فرمایند

این کار خیلی اشکال دارد عرض کردم که هر کار را که انسان بخواهد اقدام بکند يك قدری اشکال خواهد داشت این هم در اول اگر يك قدری اشکال داشته باشد کم کم مجری خواهد شد و می شود هم در شهری مقداری از شیره را نزد اطباء آن شهر و آن عمل گذاشت و اعلان کرد که اشخاصی که واقفان محتاجند و مردمی هستند یعنی اگر نکشند میبرند برون میشد آن اطباء و با اندازه احتیاج بگیرند باینکه دوا ساز با اجازه اطباء درست کنند و بعد علاوه بر این يك چیزی است که در يك روز هم می شود ترك کرد برای اینکه هم اطباء معین است که بیکی از دو قسم کشیدن این شیره بعضی دواها ترتیب داد که استعمال بکنند تا اینکه کم کم این عمل از سرشان بیفتد حالا شاید اشکالات دیگر هم باشد که نظر بنده در آن خصوص حاضر باشد ولی در هر صورت بعقیده بنده این ننگ است برای دولت و برای مجلس که بیاید رای بدهد که دولت سوخته تریاک را بفرود و شیره بسازد و بفرودد و برخلاف اگر رای بدهد که بکلی استعمال آن ممنوع باشد و بهمان ترتیبیکه عرض کردم جلوگیری بشود این يك افتخاری خواهد بود از برای دولت و از برای این مجلس که این رای را امروز داده است این عقیده شخصی بنده است حالا دیگر بسته است بوجدان نمایندگان محترم.

افتخار الواعظین - بنده عرض میکنم که اینجا فقط ما تصور می کنیم و تصور خیلی آسان است فلان کار را اگر بکنیم میشود یا اگر چنین بشود چنان خواهد شد بزبان گفتن آسان است ولی با عمل کردن خیلی فرق دارد باید وارد عمل شد و دید که امروز اقدام و پیش بردن يك چنین کاری برای ما ممکن است یا خیر آقای دکتر علی خان همچو گمان کردند که بدبختانه تریاک کش یا شیره کش در مملکت ایران منحصر است بیک ایالت نشین یا دو ولایت نشین و يك عده معدودی هستند که بزودی میشود جلوگیری کرد گمانیکه خیلی قوه شان بیشتر از شما بود و اسباب اجرائیات هم از هر قسم برایشان میسر بوده آنها این سم مهلك را در عرض سنوات و بتدریج از میان مردم برداشتند چه طور شده است که امروز يك مرتبه بجوش آمده ایم و دفعه واحده میخواهیم اینکار را اجرا کنیم و بدبختانه میخواهیم عرض کنم که از سی کرور ملت ایران شاید بیشتر از شش کرور مبتلا باین سم مهلك باشند و دیگر اینکه شما میخواهید سوخته را بگیرد چه طور می شود اینکار را کرد میفرمائید شخصیکه تریاک را میخورد دفعه ثانیکه محتاج شد باید سوخته تریاک را که سابقاً خریده است بیارود بدهد این ممکن نیست برای آنکه فرض بفرمایید که بنده آدم تریاک می آمدم ده سیر تریاک خریدم اسم بنده هم در دفتر نوشته شده دفعه دیگر نوکر بنده میآید میخورد و دفعه دیگر کلفت من میآید میخورد دفعه دیگر دختر من میآید میخورد دفعه دیگر مسایه من میآید میخورد و دیگر اینکه شما باید بعد هر ده و با اندازه جمعیت هر شهری دکان تریاک فروشی و شیره زنی باز بکنید و باید بدهد هر خانه و هر سیاه چادری که دردانه کوه واقفست يك نفر را معین کنید که مواظب باشد سوخته را از آنها بگیرد و چون آقای دکتر علیخان فرنگ تشریف

داشته اند و از داخله مملکت خودشان گماهو حقه اطلاع ندارند از اینجهت اینکار بنظرشان خیلی آسان می آید که می فرمایند بیک مرتبه باید اجرا شود و بنده عرض میکنم اینکار را باید متدرجاً اقدام کرد و بتدریج این سم مهلك را از این مملکت برداشت و بدبختانه در این مملکت اغلب فقرا مبتلا باینکار هستند و از برای جلوگیری آنها هم هیچ علاجی بهتر از کران کردن او نیست از اینجهت بنده عقیده ام این است اینکه دولت سالی مثالی يك صد دینار اضافه بکند کم است سالی دهشاهی زیاد بکند تا برسد پنج قران تا آن بیچاره ها سال بسال کم بکشند و نداشته باشند بخرند و ترك کنند و از برای برداشتن این گویا اول علاجی که اطباء بزرگ دنیا گفته اند کم کردن است و ممکن است که شما بگرانی و زیادی قیمت آنها را و بپازید که رفته رفته کم بکنند تا اینکه بکلی ترك نمایند بنده عرض میکنم دولت خودش منحصرأ بخواهد اینکار را اداره بکند لابد غرضشان از دوشکل خارج نیست یا عرض نفع دولت است اگر اینست که بنده عرض می کنم که ملاحظه بفرمایید می بینید دولت آنقدر آدم و شمشیر شخص و موزون برای اجرای اینکار لازم خواهد داشت که عایدی آن کفایت مصارف و مواجب آنها را نمی کنند و اگر حفظ اصح است ملاحظه باین نیست که بخرند و بفرزند و شاید در بعضی نقاط ایران تجاری باشند که دو حروار سوخته خریده اند برای حمل بخارج یا برای داخله يك دمه چه طور میروند سرمایه آورا میگیرند و می سوزانند که ما عین مان فرار گرفته است بر اینکه این سم را دفعه از این مملکت برداریم بنده عرض می کنم که اگر شما بخواهید دولت خودش منحصرأ اینکار را اداره بکند این يك کاری است که نفی برای دولت نخواهد داشت و پیشرفت هم ندارد اگر بخواهید که دستاً سوخته را بگیرد و بسوزاند که آه هم يك مرتبه باید ارزشش کرور نفع چشم ببینید و ممکن هم نیست بنده عرض می کنم که مثل اینکه تریاک را شما می خواهید بگوئید که مثالی سیصد دینار اگر دارد بدهد و اگر ندارد چشمش کور شود نکشد در اینجا هم بنده عرض می کنم سیصد دینار را اگر دو عیاسی بکنید شاهای بکنید و هر چه میتوانی بر قیمتش بیفزایند تا بواسطه گرانی و زیادی قیمت کسانی که مبتلا هستند باینکار مجبور شوند که بتدریج کم کنند تا اینکه بکلی ترك نمایند و استعمال نکنند والا این فریشتانیکه آقای دکتر علی خان می فرمایند از برای تصور خیلی خوب است ولی از برای از قوه بقبل آوردن بنده آنها را جزء معالات می دانم.

آقای میرزا احمد - بنده کاملاً موافق هستم با رایور کمیسیون ولی اگر قدری بر قیمتش اضافه شود عیبی ندارد ولی بعضی اوقات در مجلس بعضی مذاکرات می شود که بنده لازم می دانم که راجع بآن مذاکرات تکرار نشود و حالا که آمدیم بحال طلق اگر چه عریض مختصر است ولی خیلی حالب اهمیت است و آن مطالبیکه گفته شد تا يك اندازه ناشی شد از عدم جلوگیری.

نایب رئیس مثل اینکه جناب کاشف در بین صحبتو

فهییم الملک - مقصود آقایان از این اظهارات

کردند راجع باده که در روز گذشت و نایب رئیس جلو گیری نکردند و بعد که آقای آقا سید حسن مدرس تشریف آوردند نسبت به بعضی مذاکرات اظهارات کردند که نسبت به نمایندگان و نسبت بخود مجلس بر میخورد از این جهت بنده لازم می دانم که آنها را رد کنم اولاً باید بدانیم که اینجا دارالشورای ملی است جای شوشی و بعضی اظهارات نیست و کلا دارالشورای کبری حالا انتخابشان از روی هر مبنائی شده است خیالات و آراءشان را نباید حمل به او و هوس کرد هر چه رای دادند مطاع و متبع است یعنی از روی هوا و هوس نیست و همان میزان اکثریت ملت است مگر در صورتی که موافقت نکند با قوانین و موازین شرع و البته در آن موقع حق دارند اشخاصی که از قوانین شرع مسبقاً اطلاع دارند آراء خود را اظهار بدارند و الا بیانات و کلام همیشه متبع است و بنده هیچ نمی توانم بنشینم در يك مجلسی و بشنوم که نسبت بیارامان و ذلای پارلمان گفته بشود که آراءشان از روی هوا و هوس است و جدا این اظهار و این قبول را رد میکنم و دیگر يك فرمایش دیگری فرمودند که متعلق بود بان اظهاری که آقای حسنعلی خان در موقع انتخاب علماء خمس فرمودند و ایشان دوباره همان مطلب را تجدید فرمودند و آن این بود که اطلاق ناظر بر آقایان غلط است بلکه آقایان علماء خمس پنج نفر از و کلا مجلسند و داخل در و کلا مجلس هستند و شئون در جلسات و ذلای تماماً را دارا هستند و در قانون اساسی هم نسبت بآنها لفظ ناظر که نوشته شده است و نباید بعد از این خودشان را بلفظ ناظر معرفی نمایند این مضیی بود که بنده لازم می دانستم عرض کنم و اگر جرات هم شد خواهند بخشید چونکه وظیفه ام اقتضا میکرد که این مطلب را بگویم.

کاشف - اینجا یک اعتراضی آقای میرزا احمد بنده فرمودند تصدیق میکنم لیکن مقصود بنده این بود که خواستم خودم بفهمم که این رایسی که دادید در چه بود و ربطی با ایراد آقای آقا میرزا احمد نداشت که این اعتراض را فرمودند.

مؤتمن الملک - گویا ماده ۷۹ مجلس را مجبور میکنم که وقتی که مخبر کمیسیون تقاضا کرد که يك ماده بکمیسیون رجوع شود آماده بر گردد بکمیسیون پس باید بموجب اینکه مخبر کمیسیون تقاضا کردند که این ماده بکمیسیون رجوع شود این ماده با پیشنهادها بکمیسیون رجوع شود (گفته شده ماده ۷۹ خوانده شود).

معاذ الملک - ماده ۷۹ - هر اصلاح یا ماده العاقبه که در ضمن مباحثات اظهار باید دلایل آن بطور اختصار بیان شود و در صورتی که وزیر یا مخبر کمیسیون تقاضا نماید باید آن اصلاح یا ماده العاقبه بکمیسیون رجوع شود - هر گاه ارجاع به کمیسیون تقاضا نشود در باب قبول توجه از مجلس رای خواسته میشود - مجلس پس از استماع اظهارات مخبر کمیسیون در این باب رای میدهد اصلاح یا ماده العاقبه در صورت قبول بکمیسیون ارجاع می شود.

فهییم الملک - مقصود آقایان از این اظهارات

این بود که مذاکراتی که بر خلاف مذاکراتشان شده است در اینجا مذاکره بفرمایند و حالا که اظهارات خودشان را فرمودند آن پیشنهاد ها را با آن ماده رجوع کنید بکمیسیون که تجدید نظری در آن شده ثانیاً بمجلس پیشنهاد شود.

نایب رئیس - پس این ماده با پیشنهادها رجوع می شود بکمیسیون.

سلیمان میرزا - بنده گمان میکنم که ماده دو از دهم نظامنامه داخلی بر مواجب میکند که در ۱۴ جدی شعبات را تجدید میکنیم و تا امروز که انتخاب نکرده ایم غفلت و نقص این قانون را کرده ایم و آن وقت خیلی غریب است که بعضی از آقایان تقاضا می کنند که راپورت شعبات را بمجلس بفرستند در صورتیکه شعبات از ۱۶ روز مدتشان منقضی شده و راپورتشان از آن تاریخ از درجه اعتبار ساقط است از اینجهت بنده تصور میکنم که امروز باید اسامی نمایندگان را بیارید و شروع بتجدید شعبات بکنید تا اینکه شعبات منقذ شده باعتبار نامه ها رسیدگی بکنند و راپورت بدهند ماده ۱۲ نظامنامه داخلی شمییکه بر طبق ماده ۳ تشکیل یافته هر ۳ ماه سه ماه بطور قرعه تجدید می شوند مقصود عده ارتشکیل این شعبات است که هر وقت مطلب یا لایحه مطرح قانونی پیشنهاد مجلس می شود رجوع بشعبات بکنند که در آنجا ملاحظه و مدافه شود و اگر تشکیل کمیسیونی لازم آید هر يك از شعبات پس از مذاکرات و مباحثات موافق عده که مجلس معین کرده است برای عضویت کمیسیون انتخاب کنند و علاوه چون شنبه ام که بعضی از آقایان يك پیشنهادی کرده اند که شعبات ۶ ماه بشش ماه تجدید شود خواستم عرض کنم این قانون هنوز نگذشته است ما باید این انتخاب را بکنیم بعد هر وقت که این پیشنهاد بمجلس آمد و بکمیسیون مبتکرات رفت و قابل توجه شد و بمجلس آمد و مجلس با اکثریت تصویب کرد جزء نظامنامه داخلی می شود و بهمان ترتیب رفتار خواهد شد حالا ولو این که پیشنهاد کرده باشند که يك سال بیک سال تجدید بشود ربطی بنظامنامه داخلی ندارد و باید امروز شروع کنیم بهسین کردن شعبات تا اینکه چرخهای شعبات برای بیفتد و اعتبار نامه و کلا را رسیدگی و راپورت بدهند.

نایب رئیس - بنده توضیحاً عرض میکنم که اولاً انتخاب شعبات در جزء دستور هست همان طوریکه شاهزاده اظهار کردند و علاوه یادآوری میکنم که همان نظامنامه داخلی که این ماده در آن است مجبور میکنم هیئت رئیسه را که مراعات نظامنامه داخلی و نظم و دستور مجلس را در تمام مقامات بکنند و دستور امروز يك ترتیبی معین شده است که بهمان ترتیب باید بگذرد پس و پیش انداختن دستور بموجب همان نظامنامه داخلی مغل نظم و منافی با نظامنامه است پس باید مراعات نظامنامه داخلی را بنمایند یعنی دستور مجلس را بهمان ترتیبیکه معین شده است اجرا بدهند.

سلیمان میرزا - بنده گمان میکنم که هیچ

نظامنامه این حق را بهیئت رئیسه نداده است که اگر در ۱۴ حمل فرضاً باید شعبات تجدید شود و هیئت رئیسه را انتخاب نمایند ۱۶ روز آن را عقب بیندازند و بگویند که اینرا جزه دستور نوشته ایم ولی صبر بکنید که رایورت کمیسیون پروگرام که خیلی مذاکرات دارد خوانند شود و بگذرد بمذاکرات دیوان محاسبات که ۲ ماه طول دارد بگذرد تا اینکه بعد از ۳ ماه و ۱۴ برج بعد هیئت رئیسه انتخاب بشود از این جهت بنده عرض میکنم که هیئت رئیسه ابتدا حق تغییر نظامنامه را ندارد و چهاردهم هر برجی که نظامنامه معین کرده است باید حتماً شعبات تجدید شود و نمی توانند از این برج برج دیگری بیندازند و از روز ۱۴ جدی تا امروز که ۱۶ روز گذشته است نقض این قانون را کرده اند که شعبات را انتخاب نموده اند و خواهشمندم که در این خصوص سوء استفاده نفرمایند و شروع کنند بتجدید شعبات که رسیدگی باعتبار نامه ها شده تکلیف آنها معین شود و مقید باین نباشد که میل هیئت رئیسه چنین انتضا فرموده است که این را آخر جزه دستور مجلس فرار داده اند و باید ۲ ساعت در یک ماده سرحه تریاک مذاکره بکنند .

نایب رئیسی - بنده مایل نیستم که با نه بنده محترم در این باب مشاجره نمایم ولی مجبورم عرض کنم که مطلبی را که در آن مذاکره میکنیم نمی توانیم بگذریم و شروع بمطلب دیگر کنیم .

ادیب التجار - چون بعضی از فرمایشات حضرت والا راجع باشخصی بوده که از نرسیدن اعتبارنامه ها شگوه لرده بودند و بنده این شگوه را کرده بودم که چرا این اعتبارنامه ها بمجلس نمی آید هم مصاحبه کرده ام پیشهادی را که شعبات ۶ ماه به ۶ ماه تجدید شود وجهش هم این بود که در روزنامه ها نوشتند و ما را استهزا و تحقیر کردند که عوض اینکه نمایندگان ما داوون بنویسند و بکارهای مملکت برسد هر روز نگاه میکنیم میبینیم که شعبات تجدید میکنند باین ملاحظه بود که بنده هم آن پیشهاد را امضا کردم و از این گذشته عرض میکنم که مذاکره در قانون و گذاردن آن خیلی بهر است اینرا که هر روز شعبات را تجدید کنیم و کمیسیون انتخاب بکنیم [رایورت کمیسیون بودجه راجع باعزام بیست نفر محصلین بمبارت ذیل قرائت شد کمیسیون روز چهارشنبه شانزده معزم دو ساعت و ربع بظهور مانده بریاست آقای میرزا مرتضی قلیخان منقذ گردید پیشهاد وزارت جلیبه معارف در خصوص تصویب ده هزار تومان برای اعزام بیست نفر شاگرد ارشاد در اندیکه تاکنون در مدارس تهران از قبیل دارالفنون و سیاسی وغیره تحصیل نموده اند برای تکمیل تحصیلات خود در شعبه مختلفه علوم باارویا قرائت گردید .]

کمیسیون بودجه برای توسعه معارف که مایه کلیه سعادت است با اکثریت رأی داد که این مبلغ اعتبار بوزارت معارف برای اعزام ۲۰ نفر شاگرد داده شود مشروط بر اینکه اولاً شاگردان از فقرا

محصلینی که خود قادر بمسافرت اروپا نیستند با ولی که قدرت اعزام آنها را داشته باشند ندارند انتخاب شوند و ثانیاً اعزام آنها بمظارت کمیسیون معارف باشد که هم در انتخاب آنها وهم در علومیکه بایست تحصیل نمایند نظر کامل داشته باشد که شاگردان محصل هو شیاری انتخاب شده پروگرام تحصیلات آنها هم در علومیکه برای آتی بمملکت انعم و الزام است معین شود.

معزز الملک - بنده اساساً باین پیشهاد که شده است کمال موافقت را دارم و البته خیلی لازم است که یک وجهی داده شود و یک عده محصلین فرستاده شده ولی اینجا دستور داشتم که مجبورم عرض کنم اینجا این شاگردانیکه نوشته شده است یا هیچ معین نشده است از برای چه و در چه خط تحصیل خواهند کرد و بنده که نظر میکنم می بینم که ما در هر یک از شعب مملکت یکمده اشخاص بصیر با اطلاع داریم ولی بدبختانه در یک رشته مملکت که میتوان گفت اساس زندگی مملکت بسته باوست و اساس تمام چیزهای مملکت است و اسباب ترقی ملل عالم شده است هیچ درصدد نیستیم که آنرا ترقی بدهیم و آن شعبه هم البته محتاج بگفتن نیست و همه میدانند که آن شعبه نظام است علی الخصوص که برای سایر شعب یک عده مستخدمینی خواسته شده است و همینطور اشخاص دیگری هم داریم در اینجا ولی چون طوری شده است که اینها را بیکه در خارج بودند اغلب تحصیلات خودشان را در راه دیگر کرده اند و در نظام کمتر تحصیل کرده اند باین جهت بنده تصور میکنم که سایر ادارات را میشود اداره کرد و بقیه شخص بنده اگر تمام این بیست نفر شاگرد ولی اقلاً ده نفر از آنها را وزارت معارف مقبول بکنند که تحصیلات خودشان را در حفظ نظام بکنند کمان می کنم بهتر باشد برای اینکه هیچکس نمیتواند منکر بشود که نظام زنده کننده ملت است زیرا که حیات مملکت بسته بنظام است و بواسطه نظام هر امر حق و مشروعی را میشود از پیش برد این یکی دیگر این که اینجا اینطوری که نوشته شده است فقط مفهومش این است که فقط یک بیست نفر شاگرد را میفرستند آنجا و اگر بعد از آنجا کاسته شود دیگر عوض آنها فرستاده نخواهد شد ولی من تصور میکنم که اگر اینطور فرار گذاشته شود که همیشه ۲۰ نفر شاگرد در آنجا باشد یعنی این یک کادری باشد که دولت همیشه یک ولی بدهد و یک ۲۰ نفر شاگرد و محصل در آنجا داشته باشد اعم از این که این شاگردانی که از حالا میروند بتوانند از عهده تحصیلات خودشان بر آیند و با این که بجهت دیگری مراجعت نمایند و هر وقت که یک عده از آنها کاسته شود عوض آنها از اینجا فرستاده شود ولی مشروط بر این که یک مقدار از این شاگردها چنانچه عرض کردم تحصیلاتشان منحصر بمعلم نظام باشد .

معاون وزارت معارف - در این پیشهادی که شده است معلوم است که نکات و دقائق آن پیشهاد نشده است مقصود از این پیشهاد فقط اینست که ده هزار تومان اعتبار داده شود بوزارت معارف برای فرستادن شاگردانی بخارج و همچنین که تصویب شد آتوقت و خودمان بکلی ما بوسه باشیم که ۲۰ نفر را میفرستیم باید تمام آنها را برای نظام معین کنیم و حالاً که بجهت دیگر نمی توانیم تمام آنها را برای اینکار فرستیم اقلاً باید ده نفر را که برای نظام معین بکنیم و ده نفر

معزز الملک فرمودند در واقع وزارت علوم تا این ساعت بر این نبود و علاوه بر این خود وزارت جنگ در بودجه خودش منظور کرده است که یک عده شاگردهای نظامی بفرستند کمان میکنم که همان تصویر شده است صحیح تر باشد که از همان رشته که وزارت جنگ است و از بودجه خود وزارت جنگ محصلین نظامی فرستاده شود و عهده نظر وزارت معارف می دانید در این پیشهادی که کرده است این بود که یک قسمت بیشتر این عهده را برای علمی بفرستند که می دانید مدارس ما امروزه معلومی ندارد باین واسطه خواسته اند که از این راه یک عده معلمینی برای آتی تهیه کرده باشند و اگر بخواهیم برای این کار معلمین از خارج بیآوریم طوری است که درست نمی توانند در اینجا تدریس بکنند و انگهی قیمتش برای ما خیلی گران تمام می شود و همینطور معایب دیگر دارد در صورتی که اگر از جوانهای خودمان برونند آنجا و تحصیلاتی را که لازم است بدیازند و بعد خود آن ها در مدرسه دارالمعلمین که تأسیس می شود ممکن است معلمینی تکمیل کنند و آنها در همه جای مملکت پراکنده شوند پس نظر عهده این است که یک قسمت بیشتر از این معین برونند در آنجا و فقط در معنی را یاد بگیرند و عهده هم برای تعلیم صناعی بگذرد اینجا متروک است از قبیل علم معماری و مهندسی و مکانیک و حالاً این پیشهاد همانطور که عرض شد فقط راجع باعتبار حرج آنها است بعد که این تصویب شد نکات و دقائق آن بنا ترتیبات صحیح و شرایط تحصیل آنها لابد پیشهاد خواهد شد ولی فرستادن این عده بیشتر برای این است که معینین تربیت بشوند و بکار بخورند و ضمناً هم از برای ترویج سایر علموی که در اینجا متروک است .

حاج سید ابراهیم - بنده موافقم با آقای معزز الملک در کمیسیون بودجه هم همین مذاکره شد و مخصوصاً همین ملاحظه بکمیسیون معارف رجوع شد که در آنجا پروگرام تعیین این چند نفر را تعیین بکنند و این نکات را رعایت کنند و همینطوری که اظهار شد اگر تخصیص داده شود که اقلاً بعضی از آنها برای علم نظام معین بشوند این راهم که آقای معاون اظهار کردند که در هر وزارت خانه ۲۰ نفر را بمخارج منظور بداریم اینقسم امروزه برای ما ممکن نیست ما امروز باید ملاحظه الامم فلاح را بکنیم و ببینیم که اهم امور امروز چه چیز است واضح است که اهم امور امروز امر نظام است و آقایانی که این اظهار را کردند بنده تصدیق میکنم ایشانرا که امروز اهم امور برای ما نظام است برای اینکه اگر نظام نداشته نداشته باشیم و یک حصاری دور خودمان نکنیم از هیچ چیز محفوظ نخواهیم بود و این پیشهادی که شده است که ده نفر از آنها برای نظام معین بشود و ده نفر دیگر برای معارف و تربیت معلمین برای مدارس اگر بشاود که ما اینرا تصویب بکنیم و این اندازه هم بنظام همراهی نکنیم و اقلاً باید از اقدامات وزراء و خودمان بکلی ما بوسه باشیم که ۲۰ نفر را میفرستیم باید تمام آنها را برای نظام معین کنیم و حالاً که بجهت دیگر نمی توانیم تمام آنها را برای اینکار فرستیم اقلاً باید ده نفر را که برای نظام معین بکنیم و ده نفر

دیگر برای معارف و سایر چیزها که صلاح دانسته اند معین شود (دو فقره پیشهاد بمبارت ذیل قرائت شد) .

(۱) از طرف آقای حاج سید ابراهیم - این بنده پیشهاد می کنم که ده نفر از ۲۰ نفر که برای تحصیل در اروپا میروند تخصص داده شود باشخاصی که مایل تحصیل نظام هستند که این ده نفر در اروپا تحصیل علوم نظام نمایند .

(۲) از طرف آقای معزز الملک - (۱) پیشهاد میکنم از ۲۰ نفر شاگردانی که بفرستاده می شوند در شعبه نظام تحصیل بکنند (۲) عده ۲۰ نفر محصل همیشه تمام بوده اگر کسری در شاگردان پیدا شود عوض آن فرستاده شود .

انتخار الو اعظمین - بنده اولاً خیال میکنم که اگر چنانچه ماسالی ده هزار تومان و در چهار سال چهل یا پنجاه هزار تومان بدهیم و ۲۰ نفر شاگرد را بفرستیم بآروپا تا اینکه تحصیل بکنند و بیایند با آنکه همان پنجاه هزار تومان خودمان در همینجا یک مدرسه تأسیس بکنیم که بتوانیم دوست نفر شاگرد را در اینجا تربیت بکنیم بهتر باشد ولی بیک ملاحظه می بینم که آنطوری که لازم است مقصود ما است نتیجه بدست نمی آید و آن اینست که این اشخاصی که باید برونند فقط از برای تحصیل علمی نیست بلکه عملیات راهم باید در ضمن تحصیل یاد بگیرند و تحصیل بکنند و از این جهت ناچاریم که آنها را اعزام باارویا بکنیم و بنده تماماً موافقم با آقای معزز الملک که از این ۲۰ نفر بلکه اگر وزارت علوم تصویب بکنند تمام این ۲۰ نفر را برای نظام معین بکنند و پروگرام تحصیلات آنها هم معین بکنید و بعلاوه بکنفر راهم معین بکنند از برای نظارت در تحصیلات آنها که از مردمان صحیح عالم امین متدین باشد و خاطر آقایان را متذکر میکنم که خیلی یولهای مفت میدهیم و اول پولی که بعمل صحیح می دهیم همین پول است و در صورتی که بدانند که آن پول بمصارف تعلیم و معارف خواهد رسید تمام اهالی مملکت حتی فقرا و ضعیفا و بیروزهای این مملکت هم تحمل آن مالیات را خواهند کرد ولی شرط اینکه بکنفر آدم امین متدین بسوز مملکت که آن ۲۰ نفر را مثل اولاد خودش بداند از اینجا با آن ۲۰ نفر اعزام بشود و در رایورت کمیسیون بودجه فقط یک تصور بنده در آن می بینم که ناچارم متذکر شوم و آن اینست که ما ده هزار تومان را می دهیم و ۲۰ نفر شاگرد هم بمان ترتیبی که در تحت نظر کمیسیون معارف باشد انتخاب میکنیم و اینها میروند بعضی اخلاق غیر حسنه که خود اروپائیا هم از آن منزجر هستند عوض تحصیلات آن اخلاق را تحصیل میکنند و برای ما بیآورند از این جهت بنده تصور میکنم که یکی از مردم عالم بزرگ صدق ه اینطوری که عرض کردم در آن محلی که این اطفال میروند باید معین کرد برای نظارت در تحصیلات آنها و اینها تحصیلاتشان در تحت نظر آن شخص باشد که بنده مطمئن باشم که این ده هزار تومان را که میدهیم دوره تحصیل صرف می شود نه در راه مسافرت و تماشای تأثیر یا چیزهای دیگر و این آدم امین را از اینجا یا از بین مأمورین دولتی که در آنجا است معین بکنند که بدانیم بعد از این همه زحمات و مخارج این ۲۰ نفر علوم و سعادت اروپائی را برای ماسوقات می آورند

نه بعضی اخلاق و عادات غیر حسنه که خود آنها هم از آن منزجر هستند .

سلیمان میرزا - یک قسمتی از فرمایشات خودشانرا آقای انتخار الو اعظمین در آخر فرمایشات خودشان رد کردند یعنی گفتند که خوب بود این پنجاه هزار تومان را خودمان در اینجا یکمدرسه تأسیس بکنیم بعد خودشان متذکر شدند که اینها فقط برای تحصیل نمیروند بلکه تا اندازه عملیات راهم باید یاد بگیرند اما در قسمت دیگر که فرمودند خوب است بکنفر هم همراه آنها بفرستیم که مواظب باشند که آنها تحصیل بکنند و عوض تحصیل علوم اخلاق رذیله را کسب نکنند چون نکته اش را ملتفت نشده اند بنده لازم میدانم عرض کنم که در اینجا اشتباه کرده اند برای اینکه اینها را می گذارند در مدارس رسمی وقتی که در آنجا مشغول تحصیل شدند دیگر باختیار خودشان نیست که شبها بتأثر برونند خود اداره مدرسه مراقب خواهد بود و رایورت مدرسه را میفرستند و از آنجا مستقیماً بوزارت علوم خواهد رسید نباید کان ملاحظه خواهند کرد و بعلاوه اینها راهم در یک نقطه نخواهیم گذاشت بخصوص حالاً که در خصوص نظام هم مذاکره می شود که یک عده از اینها باید در خط نظام تحصیل کنند و باید هر کدام بنقطه که در یک فنی کامل ترند فرستاد حالا فرض بفرمائید که امروز این ۲۰ نفر را باین عالم و امین که اهم قبول کرد فرستادیم وجود این شخص در آن محل بی مصرف خواهد ماند بجهت اینکه هر کدام از آنها را بعد از ورود میبرد بیک مدرسه می سپارد و آنوقت آنها بترتیب مدرسه خودشان عمل میکنند و رایورت خودشانرا می دهند بوزارت علوم که مطلع باشد و بهر ترتیبی که سایر اطفال را تربیت میکنند آنها راهم تربیت خواهند کرد .

وکیل التجار - در مسئله معارف دیگر چیزی نیست که بنده هم بایم اینجا و یک شرحی عرض کنم و کسی هم نمی تواند منکر باشد و انکار داشته باشد ولی نمی دانم در این عقیده که می خواهم اظهار بکنم تنها باشم یا اینکه شریک داشته باشم بنده در کلیات این مسئله بآقایان مخالف هستم عقیده شخصی بنده یعنی از وقتیکه بایران آمده ام و یک مدتی هم در اینجا نبوده ام ایناست که ما می توانیم در ایران معلم بخواهیم و بیآوریم و اطفال ما را در اینجا بگذاریم تحصیل بکنند بجهت اینکه بموجب تجربیات که تا امروز حاصل کرده ایم و هر کدام از آقایان که توانستند خلاف آنرا ثابت بکنند بفرمائید که همیشه شاگردهای ما اگر رسماً از طرف دولت فرستاده نشده اند اولیای اطفال همه ساله بمخارج خودشان فرستاده اند یک عده را ورفته اند برای تحصیل و وقتی که ما بایولی که در آنجا خرج شده است بسنجیم و ملاحظه کنیم خواهیم دید که خیلی ضرر کرده ایم و خیلی وقت اطفال ما را ضایع کرده ایم باین پولی که امروز تقاضا میشود برای ۱۰ یا ۲۰ نفر اطفال و وزارت جنگ هم در خیال است که عده چند نفر را بفرستد و الا آن آقایان می دانند که در سوئیس چند نفر از معلمین ایرانی هستند و سالی چقدر پول صرف می شود که آنجا تحصیل بکنند و همین طور هر سال

از اطفال متوالین و محترمین ایران در اروپا هستند که اگر از اولیایشان تحقیق بکنید خواهید دید که چقدر میشود ضرورتیکه مامی توانیم باین پولها یعنی با همان پولیکه دولت می خواهد خرج بکند مدرسه دائر بکنیم و اگر اینکار را دولت بکند اولیای اطفال حقوق خودشانرا می دهند و از آن راه دولت ضرر هم نخواهد کرد و همیشه صدو صد و پنجاه و دوست نفر اطفال مادر خانه خودشان مشغول تحصیل هستند و می شود که چند نفر از معلمین متخصص هر علمی از نقاط معلومه از اشخاص خیلی صحیح و درست بخواهیم و دیگر تأسیسات جدید هم لازم نداریم برای اینکه هم ازت مدارس دارالفنون که تا بحال شاگردان در آنجا تحصیل میکردند آنرا ممکن است تعمیر بکنیم که واقماً دارالفنون بشود و قصد آن واقماً بیش برود بجهت اینکه مامی بینیم که همان اندازه که تا بحال دارالفنون داشته ایم بهمان اندازه هم شاگردان خوب تربیت شده اند و یک اندازه هم تکمیل شده اند چون اسباب تکمیل در اینجا وجود نبوده و رفته اند بخارج چنانچه اطفالیکه از ایرانی ها فعلاً داریم اغلب کسانی هستند که اینجا تحصیل کرده اند و بعد رفته اند بخارج و تکمیل کرده اند و حالاً ما اگر اسباب تکمیل را در اینجا فراهم بیآوریم آنوقت دیگر محتاج برفتن آنها نخواهد بود و ما شاگردانی که رفته اند تحصیل کرده اند و مراجعت کرده اند می توانیم بدانیم که ده یک آنها خوب تحصیل نکرده اند و بعضی از آقایان که عقیده دارند که تهذیب اخلاق هم خواهند کرد حالا عقیده شان بصرف شده است علاوه بر این جوانانی که فرستاده می شوند برای تحصیل در خارج مسلماً باید جوان باشند و بموجب اطلاعاتی که بنده خودم دارم و امتحاناتی که کرده ام بجهت این که ۲۵ سال است که در این رشته بوده ام یعنی در یک محلی که شاگردانی که رفته اند و مراجعت کرده اند همه را دیده ام و بیشترشان را خودم راه انداخته ام آن تجربه هائی که بنده حاصل کرده ام این است که آنطوری که در نظر است تکمیل نمی شوند و نتیجه مطلوبه از سایر حیثیات بدست نمی آید عقیده بنده این است که بعوض این که یک عده از اولاد های وطن خودمان را بفرستیم با یک مبلغ گزافی و آنوقت بزحمات زیاد بعد از ده دوازده سال آن نتیجه که در نظر است حاصل نکنیم یک یاد و مدرسه عالی یا بیشتر دائر بکنیم و بگذاریم که اطفالمان نه ده و نه بیست بلکه صد هزار و دوست هزار در آن مدارس تحصیل بکنند و آنوقت در نقاط دیگری که بنده صرف نظر میکنم برای باره ملاحظاتی از نقطه نظر اقتصادی هم وقتی بخواهیم ملاحظه بکنیم می بینیم که برای آوردن ده نفر یا یازده نفر یا بیست نفر معلم صحیح وقتی صد هزار تومان خرج کنیم در آخر سال یازده هزار تومان بیشتر ضرر نکرده ایم فقط یک مبلغی را که ذخیره میشود ضرر کرده ایم باقی در همین جا خرج شده است حالاً باقی نکاش را بنده عرض نمی کنم ولی عقیده شخصی بنده اینست که هر قدر و هر طور که بتوانیم خودمان مدرسه عالی و دارالفنون تأسیس بکنیم و آنوقت محصلین و

فرزند های وطن خودمان را بفرستیم در آنجا تحصیل بکنند .

سلیمان میرزا - آقای وکیل التجار البته در اظهار عقیده خودشان آزاد بودند لیکن بنده نمیدانم مطابق کدام تجربات این را محقق میدانند بنده هم مثل ایشان عده محصلین سوئیس را نمیدانم اینکه مقرر کنند در داخله مملکت مدارس خودمانرا تکمیل بکنیم خیلی صحیح است و این پیشنهاد هم مقدمه او است ولی مدارس را که میخواهیم دائر بکنیم معلم لازم داریم امروز شا معلم ندارید و همانطور که آقای معاون فرمودند ده نفر را میخواهند فرستند که ترتیب تدریس و تعلیم را یاد بگیرند و شروع بکنند بهمان مقصودیکه آقای وکیل التجار دارند و اینکه مقرر کنند که معلم بیاورند از برای این معلم باید شاگرد هائی هم داشته باشیم که بتوانند مطالب و بیانات او را درک بکنند و این امتحان را هم بعمل عمل آورده ایم بنده ای که ممکن نیست مثل اینکه در دارالفنون معلم آورده اند و لیکن شاگردانیکه مطالب آن معلم را درک بکنند و از او استفاده بکنند نداریم زیرا که تحصیلات مقدماتی این مملکت درست نیست بعد از اینکه تحصیل مقدماتی در این مملکت درست شد آنوقت ممکن است که ما ایشانرا بکنیم و قبلیکه شاگرد درجات مقدماتی طی نکرده و درجه وسطی را ندیده است آوردن معلم علوم عالیه برای آنها چه فایده از برای او خواهد داشت هیچ ثمری ندارد جز اینکه یک ضرری دارد که یک معلم را بگیریم و بیاید روزی یکساعت و برود و هیچ فایده از آن نبرده باشیم و تنها ما نیستیم که فهمیده ایم که شاگرد باید برود خارجه و تحصیل بکنند و بیاید همه جا همین ترتیب است زیرا که در یک مملکت نمیتوانند اسباب تمام تحصیلات را فراهم بکنند و اگر ما هم بخوایم در طهران مثلا تمام اسباب تحصیلات را تدارک کنیم اولاً غیر ممکن است علی الخصوص باین عدم مساعدت ثروتی و این عدم استطاعت و عدم تحصیلات مقدماتی و اینکه مقرر نمایند اینها بیکه رفته اند عرض تحصیل بعضی عادات یاد گرفته اند عمل بکنند را نمیشود حمل بر نوع و کلی کرد اگر چند نفر از اولیاء اطفال مثل سایر تقناتیکه دارند از بابت داشتن سرمایه یک پولی داده اند با اولادشان که بروند باوریا و مشغول تفریح باشند باسم تحصیل آنوقت آنها تحصیل نکرده باشند این دلیل نمیشود که اینها هم بهینطور خواهند شد اخلاق رذیله در هر مملکتی هست آیا کلیه این اخلاق رذیله مثلا همه این دزدها که دزدی میکنند رفته اند تحصیل کرده اند که اینطور دزد شده اند هیچوقت علوم شخصی را باخلاق بد و ادب نمیکنند و اگر چنین بود که علم شخص را و ادب باخلاق رذیله میکرد بیفهم ما علم را بر هر زن و مرد واجب نمیکرد هیچوقت علم باعث این نمیشود که انسان اعمال ناشایسته را مرتکب بشود هر کس علمش بیشتر و اطلاعاتش زیادتر باشد کمتر اعمال نا شایسته را اقدام میکند پس اگر در نظر ایشان رسیده باشد که یکی دو نفر باوریا تحصیل نکرده اند این ربطی بمطالب نخواهد داشت کلیتاً تقصیر با اولیاء آنها است که یک پولی داده اند بآنها که در آنجا تفریح کنند و بتماشخانه ها بروند و اعمال رذیله را یاد بگیرند و یک قسمت از آن اشخاص هم شاید قابل ترقی و تحصیل نبوده اند که اینطور شده اند فقط به ثروت که نیست استعداد هم مدخلیت کلی دارد ایشان فقط

بتمول نگاه کرده اند که هر کس تمول داشته است پس ش را فرستاده است این یک فاعده کلی نیست که هر کس تمول دارد و با استعداد است بلکه می توان گفت که نایک درجه برعکس است که کسانی که صاحب ثروتند اطفالشان همیشه آقا زاده تربیت شده اند و اخلاق رذیله را درک نکرده اند و هر چه کرده اند گفته اند که خوب کرده اند و همیشه کسانی که صاحب ثروت هستند اطفالشان بیشتر اخلاق رذیله را کسب می کنند .

وکیل التجار - مقصود بنده این بود که علما و اشخاصیکه علم تحصیل می کنند اخلاقتان ضایع میشود بلکه کسانی که تحصیل می کنند ممکن نیست اخلاقتان ضایع شود و دیگر اینکه فرمودند بواسطه اینکه ترتیب تحصیل مقدماتی اینجا صحیح نیست نمی توانیم معلم از خارجه بیاوریم بنده عرض میکنم در صورتیکه شاگرد مقدماتی نداشته باشیم این عده را نمی توانیم بفرستیم برای این که تحصیل مقدماتی شان صحیح نیست .

مشیر حضور - بنده بکلی موافقم با پیشنهاد وزارت معارف و اگر صد نفر را بصد هزار تومان مخارج می خواستند بفرستند و پیشنهاد می کردند بنده تصویب می کردم ولی در کمیسیون بودجه معین نشده است که این شاگردان که باید اعزام بشوند برای چگونه تحصیلات معین می شوند و اعزام می شوند و دیگر اینکه مدتی که برای تحصیلات آنها معین شده است خیلی کم است و اگر چنانچه تحصیلات اینها معین میشد بنده هم می توانستم اظهار عقیده کنم اگر مقصودشان اینست که یک عده شاگرد بفرستیم و وسطی و از چیزی یاد بگیرند مسئله ایست علیحده والا اگر بخوایم این شاگردان ما چیزی یاد بگیرند چهار سال کم است و عقیده بنده اینست که شش سال باید بچسباند بکنیم .

سلیمان میرزا - چون شایب بعضی از آقایان هم همین نظر را داشته باشند اینست که عرض میکنم ترتیب روانه کردن آنها و تعیین پروگرام تحصیلات آنها با کمیسیون معارف است چنانچه ملاحظه فرمائید در تحت همین راپورت هم معین شده است فقط چیزیکه کمیسیون بودجه می توانسته در آن رأی خودش را اظهار بدارد اینست که وزارت معارف بیست هزار تومان اعتبار خواسته است برای فرستادن بیست نفر شاگرد باوریا و این اعتبار را کمیسیون بودجه تصویب کرده است و دیگر اینکه چه تحصیل بکنند و جزئیاتش چه باشد این را جامع است بکمیسیون معارف و یک کلمه که نظارت آنها با کمیسیون معارف باید باشد رفع تمام این اشکالات می شود و اینکه اینها باید رشته هائی را تحصیل بکنند که برای مملکت نافع و لازم است اینها تمام راجع بکمیسیون معارف است اما اگر امروز اکثریت مجلس تصویب کند این بودجه را می دهیم بعد بمقیده شخص بنده آن پیشنهاد هائیکه در دفتر برای نظام و غیره باید بروند آن پیشنهاد کل را جامع بآن کمیسیون می شود و پس از آنکه آقایان کمیسیون معارف ملاحظاتی خودشان را کردند یک راپورت مشروعی مشروط بشروط معینه پیشنهاد خواهند کرد و آقایانیکه در این خصوص نظریات دارند که کجا بروند و دوره تحصیلاتشان چه باشد پیشنهادشان را آن

کمیسیون خواهند فرستاد و پس از آنکه آقایان نظریات خودشان را بآن کمیسیون فرستادند و کمیسیون تمام آن ملاحظاتی را کرد رفع تمام این نگرانی ها خواهد شد علاوه و قبلیکه اینها را فرستادند به مدرسه رسمی دوره تحصیل آن مدرسه معلوم است که چیست .

نایب رئیس - چنانچه عرض کردم عده آقایان زیاد است و رعایت موافقت و مخالف باید بشود دارم ولی بعقیده بنده این مبلغیکه اینجا پیشنهاد کرده اند خیلی کم است و یقیناً کم است بجهت اینکه برای بیست نفر شاگرد تقریباً میشود هر کدام سالی دوازده هزار تومان فراک و گمان نمیکنم به این مبلغ بشود که تحصیل بکنند و گمان میکنم اگر دوسه هزار تومان اضافه کنند بشود تصویب کرد و بعقیده بنده خوب بود این را بطور لایحه قانونی پیشنهاد میکردند که دولت همه ساله فلان مبلغ برای تحصیل شاگردانی که به خارجه میفرستند بدهد و به این ترتیب ممکن است سالی سه چهار نفر از این شاگردان یک ترتیبی کسر شوند و بعقیده بنده این هیچ صحیح نیست خوب بود اول یک پیشنهادی به کمیسیون معارف شده بود که و ستمش بیشتر بود که معین شود که یک مبلغی همه ساله برای محصلین خارجه داده شود - در حال این مبلغی که پیشنهاد شده است خیلی کم است برای بیست نفر شاگرد و بنده متوجه میکنم خاطر زیر معارف را که حکماً در این خصوص یک اقدامی بنمایند .

معاون وزارت معارف - در این لایحه که وزارت معارف پیشنهاد کرده است ابتدا مفهوم نمیشود که دولت فقط همین بیست نفر را خواهد فرستاد این یک مقدمه است از برای وزارت معارف که همیشه یک بودجه معین باشد برای این مقدار شاگردی که بخارج میفرستند و یک بودجه معین برای اینکار داشته باشند حالا پیشنهاد شده است که ده هزار تومان برای اعزام بیست نفر شاگرد تصویب نمایند بعد انشاء الله بلکه بشود که خیلی بیش از اینها صرف اینکار کرد و این مسلم است که این یک اعتبار است که وزارت معارف خواسته است برای فرستادن این عده و بآن روش و ترتیبی که فرستاده میشود مخارج آنها فرق خواهد کرد باینکه یک عده را اولیاء آنها بفرستند البته در آن صورت بیشتر مخارج خواهند داشت ولی به این ترتیبی که وزارت معارف در نظر دارد این مقدار کافی است و باین ملاحظه بوده است که عجلتاً برای سال های اول این مقدار پیشنهاد شده است و گمان نمیکنم که این مقدار کم باشد بجهت اینکه آن شاگرد هائیکه از اینجا میروند باید یک مقدماتی را تحصیل بکنند و مخارج آن ها معین است از هزار و پانصد الی هزار و شصت تجاوز نخواهد کرد بعد هم که آنجا میروند باید در داخل کارهای مخصوصی مشغول یابد مدرسه نظام یا در مدرسه نسک است در آنجا هاهم دو هزار فرانک کافی است و اگر ابتداء تحصیلات ابتدائی را کردند نباشد در مدرسه (اکونور مال) مثلا در فرانسه که مجانی است آن ها را قبول بکنند معلوم است مدرسه اکونور مال اولاً یک مدرسه مجانی است و اگر دولت ایران یک چیزی بدهد فقط چیزی از برای مخارج ابتدائی آن شاگردانی که هستند معین میکنند که آنها هم یک چیزی کمی است که مطالبه می شود والا مدرسه چیزی مطالبه نمیکند و مدرسه

مجانی است اگر هم چیزی مطالبه بکنند چیز زیادی نخواهد بود و البته وقتی که اینکار شروع بشود نواقص آنها تهیه خواهد شد که یک چنین عده در آنجا باشند و یک ترتیب صحیحی تحصیل بکنند و تهیه اینها هم شده است و گمان میکنم بیش از این اندازه که منظور شده است مذاکره نداشته باشد چون گمان نمیکنم که آنها بیش از این مخارج داشته باشند حتی در مدارس عالی هم بیش از این مخارج ندارند و در مدارس فلاحی و صنعتی که یک مخارج کمی دارند و اگر در مدارس دولتی داخل شوند که آنها مجانی است و اگر مخارجی داشته باشد از قبیل مخارج لباس و غیره است و در خصوص عده بعضی آقایان فرمودند این یک عده ناپتی است که هیچ وقت تغییر نمیکند و هر چه در این بین از عده شاگردان کسر پیدا کند و و از عده باشد البته بجای آنها تعیین و فرستاده می شود و این عده همیشه آنجا بطور ثابت خواهند بود .

حاج شیخ الرئیس - بنده اساساً خیلی خوشوقت و مملکت را خوشبخت می بینم بجهت اینکه از طرف وزارت علوم و معارف یک چنین پیشنهادی به مجلس مقدس تقدیم شده است و خیلی لازم می دانم از این قبیل پیشنهادها که موجب پیشرفت امور مملکت و احیای این هیئت و این ملت باشد بشود لکن یک نکته را گمان میکنم که خاطر نشان آقایان بکنم خیلی لازم باشد و آن اینست که وزارت علوم مواظبت کند در اینکه این بیست نفر یا بیشتر که فرستاد میشود اگر ممکن شود از اولاد فقرا که استعداد علمی شان بدرجه هست که میتواند در چهار سال مراتب عالی را طی بنمایند آنها را مقدم بدارند بر اولاد اغنیاء و ارباب ثروت یک پیشنهاد دیگر اینست که بنده گمان میکنم که معارف بمنزله روح است در مملکت الناس موتی و اهل العلم احیاء و وزارت علوم باید نظرش باین باشد که تمام این مملکت بمنزله یک بدن بی روحی است و این را تخصیص ندهند یک اقدامی بکنند که در همه جای روح علمی دمیده شود تخصیص دادن اعزام بیست نفر شاگرد یا بیشتر را بر کز این صحیح نیست راست است اثبات شیبی نفی ما عدا نمیکند ولی گمان میکنم از حالا که میخواهند شروع بکنند باینکار یک حیوة و ترقی و تاملی مابست باو است اینکار را تخصیص بر مرکز ندهند سایر ایالات هم حق دارند یعنی این اسباب امیدواری تمام مردم خواهد بود یکطوری و یک ترتیبی از مرکز در سایر ایالات و ولایات بدهند که یک عده از مرکز و یک عده هم از ولایات مکمل این عده که ترتیب میدهند ضمیمه بکنند و فرستند که وقتیکه بر میگردند با اخلاق حسنه و تحصیلات صحیح در همه ممالک مایک روح تازه دمیده شود و بتوانند از آنها استفاده بکنند یک پیشنهاد دیگر هم عرض بکنم که امید وارم خارج از موضوع نباشد بلکه داخل موضوع باشد اینست که بنده از آن اشخاصی نیستم که ضدیتم بکنم با فرستادن شاگرد باوریا بلکه همینطوری که گفته شد آنها که بد اخلاقند هر کجا باشند قاصد می شود بنده که بیاریس نرفته ام

لکن دیده ام بعضی ها که بیاریس نرفته اند اخلاقتان طوری قاصد است که پاریسها هم از آنها نمرت می کنند فرض این است که بنده از آنها نیستم که ضدیتم بکنم بلکه یک قدری مطلب را بالاتر میبرم در اینکه بعضی از هم مسلکان من و اشخاصی که باین لباس هستند یا من افتخار میکنم که هم مسلک و هم لباس آنها هستم و همچو گمان میکنند که تحصیل السنه خارجه مخالف با دیانت است یا مخالف با مذهب است لازم است این نکته را عرض کنم که واجب و لازم است که در این مملکت باشند کسانی که زبان فرانسه را بدانند بجهت اینکه فقها در قضا و شهادت عثمان دارند که یک شخصی اگر از ملل متنوعه و از اشخاصیکه در ذمه اسلام هستند و دارای السنه مختلفه هستند بیایند پیش یک فقیهی و بخواهند اقراری بکنند یا طرح دعوائی بنمایند حاکم شرع که زبان آنرا نمیدانند پس چطور باید طرح دعوائی را بکنند فقها تمام معترضند که یکس چطور باید طرح دعوی شود و فقها تمام معترضند که باید دو نفر مترجم عادل در محضر آنها کم شرع باشد که اقرار و اظهارات آنها را بفهمد و ترجمه کند پس آموختن زبان فرانسه منافی با عدالت که نیست بطریق اولی منافی با دیانت هم نخواهد بود و آن دو مترجم بگویند بچاکم شرع که همچو اقرار میکنند که فلان چیز را از فلان شخص خریده یا فلان شخص فروخته ام فرض اینست که تصور نشود که پوست یا عبوست داشته باشیم اینطور نیستیم بلکه برای اینکه یک عده با از جوانان یا از پسران نمیدانم از کسانی که با هم مسلک هستند از یک نکته غفلت کرده اند و بنده این نکته را نه از راه دیانت بگویم البته آنرا هم باید بگویند این لازمه مسلمانی است ولی چون اینجادار الشوری گیری است و نظریات سیاسیات مملکت است باید خیلی متوجه باشیم لازم است که وزارت معارف پیشنهاد بکنند که یک بیست نفری هم بخرج دولت یا زیادتر یا کمتر بروند بعقبات و در آنجا علوم شرعی را را بیاموزند زیرا که ما بعد از این امیدواریم تشکیلات عدلیه موافق مذاکراتیکه شده است از مجلس بگذرد و مطابق آن تشکیلات وجود فقیه صحیح را در عدلیه لازم داریم بنابراین بطوریکه گفته شد ما برای آینه معلمین و مهندسین و غیره لازم داریم همین قسم علمای شرعی برای عدلیه لازم داریم و علاوه علما و روحانیین ما و سرگز تشیح که عتبات عالیات است توجه ما را در علوم دینی میدانند که مجلس شورای ملی که مرکز مملکت است متوجه است و اقدام دارد و همینطور یک شاهزاده سلیمان میرزا عرض کردند بعضی شما و به بنده فرمودند طلب العلم فریضه باید بانند که اول علمیکه شارع واجب کرده است از برای هر مؤمن و مؤمنه علوم شرعیات و دینی است سایر علوم هم البته معتمد که واجب است تمام علوم و صنایع را آموختن خبازی را هم باید آموخت و این علوم را هم بتکلیف دینی باید آموخت برای اینکه برای بقاء افراد انسان لازم است که امور معاشیه را هم تحصیل بکنند فرض اینست که بنده همینطوریکه تصویب میکنم بگذریم از اینست که بنده بفرستند تصویب بلکه التماس میکنم که جمعی را بهرستان بفرستند .

سلیمان میرزا - قسمت اول فرمایشات و پیشنهاد آقای حاج شیخ الرئیس در خود کمیسیون بودجه منظور شده است که این عده از فقرا انتخاب شوند گویا فراموش فرموده اند یعنی در صورتیکه فقرائی باشند که تحصیلاتشان قابل باشد

از برای فرستادن البته در این صورت آنها مقدم خواهند بود بر اولاد اغنیاء که تحصیل کرده باشند بجهت اینکه اغنیاء میتوانند خودشان اولادشان را بفرستند آنوقت عده شاگرد در خارجه زیاد تر میشود در پیشنهاد سومی هم که جمعی را بعقبات بفرستند البته اگر چنین پیشنهادی شد جمعی را هم بعقبات خواهند فرستاد لکن در پیشنهاد دومی که از سایر شهرها هم باشد از طهران فقط باشد بعقیده بنده این راجع بکمیسیون معارف است و بآنجا باید پیشنهاد کرد که باید در آنجا مذاکره بکنند و در ذیل راپورت خودشان این جزء ها را هم بعقیده راپورت بدهند و بنده گمان میکنم مذاکره در اینخصوص کافی است و تقاضای رأی میکنم (در این موقع پیشنهاد ذیل قرائت شد) .

این بنده پیشنهاد میکنم که عده محصلین ۳۰ نفر بشود که ۱۰ نفر آنها مخصوص نظام باشد و وجه تصویبی هم عوض ده هزار تومان یا نازده هزار تومان بشود (و حیدر الملک)

وزیر علوم و معارف - در صورتیکه بخواهند یک عده محصلین نظامی را هم داخل در این شاگردان بکنند آنوقت بنده میگویم ده نفر اضافه بکنند و وجه را هم پانزده هزار تومان تصویب نمایند .

حاج امام جمعه - مطلب را کوچک گرفته اند در صورتیکه قابل اهمیت است باید مذاکره شود .

سلیمان میرزا - مسئله را آقای و حیدر الملک پیشنهاد کردند خیلی صحیح است بجهت اینکه منتهی آمال و مقصود ما توسعه معارف است لیکن این ترتیب مخالف با نظامنامه است این تقاضائی است که اگر آقای وزیر علوم هم این تقاضا را بفرمایند باز به همین ترتیب باید یک لایحه مجددی پیشنهاد مجلس نمایند در خصوص تقاضای مخارج ده نفر برای تحصیل نظام و در آن موضوع مذاکره شود و آن لایحه رجوع بکمیسیون بودجه بشود و پس از مذاکره راپورت به مجلس داده خواهد شد بنده گمان میکنم برای فرستادن ۲۰ نفر شاگرد بطوریکه نماینده باشند شده است رأی گرفته شود و بعد از اینهم باین زودی آنها فرستاده نمیشوند و باید یک پروگرامی هم نوشته شود و پس از آن بکمیسیون معارف برود آنوقت در آنجا تصویب شود و رأی بگیرند آنوقت فرستاده شود پس حالا رأی بگیریم شاید امشب کاری کرده باشیم .

نایب رئیس - مذاکرات بقدر کفایت شده است و خیلی از آقایان اجازه خواسته اند حالا رأی میگیریم باینکه مذاکرات کافی است یا خیر هر کس تصویب میکنند مذاکرات کافی است قیام نمایند (اکثریت حاصل شد) .

(پیشنهادی از آقای فهیم الملک بعبارت ذیل قرائت شد) .

بنده پیشنهاد می کنم که لایحه وزیر علوم به کمیسیون معارف فرستاده شود عده شاگردانرا با تحصیلات آنها معین نموده و با راپورت کمیسیون بودجه مجدداً به مجلس بیاید که از روی بصیرت رأی داده شود (خلیل فهیم الملک)

سلیمان میرزا - آقایان اگر اجازه بدهند ودقت بکنند در مندرجات راپورت بودجه عرض اینها و رفع این اشکالات می شود - در راپورت نوشته است که این بیست نفر شاگرد را وزارت علوم می فرستد خوب است حالا در اصول این راپورت رأی داده شود و بعد پروگرام اینها را رجوع کنید

بکه. سیون معارف پروگرام آنها نوشته شده و پس از آنکه در کمیسیون معارف تصویب شد آنوقت به مجلس خواهد آمد والا اینکه ده هزار تومان اعتبار برای ۲۰ نفر شاگرد خواسته اند اینجا گفتگوی ترتیب تحصیل جاندار بشود خوب است يك مرتبه دیگر رایورت خوانده شود و رای گرفته شود مذاکره هم که رای داده شد کافی است و هرچه زودتر برود بکه. سیون معارف آنجا پروگرام آنرا نوشته از نظر مجلس بگذارند .

فایب رئیس - بترتیب نظامنامه داخلی اول باید در این پیشنهاد رای گرفت که به بینیم آیا قابل توجه می شود یا خیر و در این پیشنهاد همانطور که آقای مخبر فرمودند زیاد از آنچه در رایورت کمیسیون نوشته شده چیزی نمی بینم فقط در یکی از آنها که پنج هزار تومان فوق العاده است که گفته شد مطابق نظامنامه نمی توانیم در آن رای بگیریم - و اگر بکه. سیون معارف برگردد که مطابق بشود برایورت کمیسیون بودجه میتوانیم فوری برای شروع بر این رایورت کمیسیون بودجه میکنیم .

معزز الملک - آنچه که در رایورت کمیسیون بودجه نوشته شده است مخالفت با پیشنهادها ندارد در آنجا نوشته شده است که مجلس يك اعتباری بدهد ده هزار تومان و آن کسانی که برای تحصیل باید بروند بخارج بیست نفرند بعد ترتیب تعیین آن حدودی که شاگردان آنجا تحصیل کنند با کمیسیون معارف است یا راجع بوزارت معارف است و لی آن کسانی که پیشنهاد کرده اند بکنظر دیگری داشته اند و آن اینست که اول آن ترتیباتی که باید داده شود معلوم شود باید بمجلس که مطابق آن ترتیبات رای بدهند والا بنده عقیده ام اینست که اگر نصف اینها بروند برای تحصیل نظام رای خواهم داد و الا رای نخواهم داد کلیه مجلس شورای ملی تصویب کند یولیرا بعد حق بدهیم بوزارت معارف که هر طور که خودش میخواهد ترتیب کند بنده بکنفر با این ترتیب مخالف هستم و وقتی تصویب خواهم کرد که بدانم که يك عده از این شاگردان برای تحصیل نظام فرستاده خواهد شد مخالفت با کمیسیون بودجه هم ندارم لیکن برود این رایورت بکه. سیون معارف در پروگرام آنها نوشته شود آنوقت در هر دو رای می دهیم [پیشنهاد آقای فهمیم - الملک مجدد اقراآت شد] .

فایب رئیس - رای میگیریم در این پیشنهاد کسانی که با این پیشنهاد آقای فهمیم الملک موافقت قیام نمایند [اغلب قیام نمودند و با اکثریت تصویب شد] .

فایب رئیس - پیشنهاد آقای فهمیم الملک تصویب شد - [معنی اظهار کردند که مشکوک شد] .

فهمیم الملک - موافق نظامنامه داخلی حق دارم توضیح بدهم .

فایب رئیس - گمان می کنم که در صورتی که نمایندگان محترم مایل نباشند مجلس هیچوقت نمی تواند منظم باشد . [مجدد پیشنهاد مزبور اقراآت شد] .

فایب رئیس - این رای مشکوک شد نمایندگان که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند [به اکثریت تصویب شد] .

فایب رئیس - دستور جلسه آتی - رایورت کمیسیون پروگرام راجع با اصلاحات عدلیه - انتخاب کسری علمای خمس - تعیین شعب - رای آخری درباره حقوق مسیو مولیر قانون اداره عتیقات اگر وقت باشد شور در بقیه قانون دیوان محاسبات .

آقا میرزا ابراهیم خان - بنده مغتنم می شمارم که در این موقع عرض خودم را در حضور آقایان محترم که تماماً اهل انصاف و وجدان هستند عرض کرده باشم همیشه ما خودمان شکایت می کنیم از اینکه کارها بطور میگردد و روزی يك کار بیشتر نمیگردد انصافاً از آقایان محترم میبرسم قصور از کی است آیا از آن شخصی است که مجلس را اداره می کند یا قصور از اشخاصی است که تمام مطالبی را که در وقت تنهایی بخاطرشان میرسد در موضوع وضع يك ماده میخواهند اینجا اظهار بدارند امروز میخواهم عرض کنم از این جلسه ها یکی از آقایان حساب کرده بودند که هر روزی که جلسات مجلس منعقد می شود هفتصد تومان خرج و قیمت دارد آیا در برابر این قیمت ما چه خدمت می کنیم اگر تمام ماها بالا نفراد خواسته باشیم بخیالاتی که خودمان می کنیم در مواضع قوانین مملکت را اداره کنیم تأسف میخوریم از اینکه خیالات بکنفر موافق نیست از برای اینکار و اگر خواسته باشیم مغلوب اکثریت بشویم باز جای تأسف است که نمی توانیم تحمل کنیم بر اینکه رای ما مغلوب اکثریت شده باشد در این موقع با کمال احترام با کمال خشوع و تضرع التماس می کنم از این ملت محترم که قدر مقام را خیلی بیشتر از این رعایت بفرمایند آنچه در این مقام مذاکره میشود فقط راجع بآن موضوع مذاکره شود اگر وزارت فوائد عامه میخواهد ده هزار تومان اعتبار داشته باشد از برای فرستادن بیست نفر شاگرد بارویا ما میخواهیم که تمام احتیاجات مملکت را از نظام و علوم و معارف و فوائد عامه رفع بکنیم تصور بفرمائید آیا ممکن است همچو چیزی آیا صورت می بندد که بواسطه ده هزار تومان که تصویب می کنیم از برای تحصیل بیست نفر شاگرد رفع تمام احتیاجات خودمان را کرده باشیم بنده از کسانی که اینطور توقعات داشته باشند امیدواری ندارم و استعفا دارم که این مجلس را موهون نکنند و بگذارند قوانینی که وضع میشود فقط باندازه که اقتضا می کند در آن باب مذاکره شده باشد بیش از این عرضی ندارم .

آقا سید حسن مدرس - عرض بنده اینست که اولاً العذر هند کرام الناس مقبول اول دفعه که آدمم اینجا عرض کردم ولیکن گویا پذیرفته نشد الان دلیل وجواب را مجبورم عرض کنم و ما بنطق عند الهوی - ان هو الاوحی یوحی - یعنی دلیل اگر نسبتی ببعضی داده شود که فرمایشی فرمودند که ابدأ بمقام ورتبه کسی بر نخورد ان هو الاوحی یوحی یعنی فرمایش پیغمبر صلی الله علیه و آله از روی دلیل است و ما بنطق عند الهوی یعنی فرمایش بی دلیل نمی فرماید اگر نسبت ببعضی دادند در مجلس بحمده الله اهل فضل و علم هستند و ابدأ از رتبه کسی کاسته نشده و هذا الحق فی المسئله - اما پریر روز فرمایش فرمودند که خوب است در مطلب قانونی مذاکره و

تأمل شود برای اینکه جعل قانونی که می شود برای يك مملکتی می شود آقا فرمودند خوب فرمودند عرض بنده چنین بود که يك قانونیکه میخواهند برای مملکتی بگذارند درم ضریب دقیقاً اکثریت می شود و حال آنکه در اغلب موضوعات چنانچه آقای دکتر فرمایش فرمودند و بنده جاهل بودم اطلاع پیدا کردم و تصدیق کردم عرض می کنم ببعضی موضوعات اطلاع کامل نداشتن و در عرض پنج دقیقه هی برخاستن و نشستن این طریق وضع قانون مملکت نیست باید اطرافش را تأمل کرد و بی دلیل رای نداد و ثانیاً فرمودند علماء سمت نظارت ندارند والا يك اختلافی است در معنی قانون که این لفظ که نوشته اند معنیش چه چیز است این البته لازم باین نیست که بنده توضیح بکنم تم اینکه معقول نیست که این علمای خمس غیر از نظارت سمت دیگری داشته باشد معقول نیست یعنی مجال است جهتش اینست که نمره اینها را بیکره قرآن و امام و پیغمبر است آنها ناظرند و مبنیت دارند اینها هم که نوکرند معنای مبنیت را دارند و ما هذا لامعنی الناظر . رئیس حرکت کرد - در این موقع آقای میرزا احمد اجازه توضیح خواست مجلس يك ساعت و پنجاه دقیقه از شب گذشته ختم شد .

جلسه ۲۰۱

صورت مشروح روز سه شنبه

۲۲ شهر محرم الحرام ۱۳۲۹

[مجلس دو ساعت قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ذکاء الملک تشکیل شد] .
صورت جلسه قبل را آقای معاضد الملک قرائت نمودند .

اسامی غائبین بترتیب ذیل قرائت شد غائبین بدون اجازه - دهخدا - با اجازه - حاج سید نصر الله مستشار الدوله - اسد الله خان - آقا محمد برووردی مشیر الدوله (اشخاصی که بموقع حاضر نشدند) ممتاز الدوله - مساوات - آقا یوزا احمد و کبل - الرعايا - حاجی مصدق الممالک - حاج آقا سید ابراهیم سردار اعظم - سردار اسعد - مرتضی قلی خان - دکتر اسمعیل خان - طباطبائی .

رئیس - در باب صورت مجلس ملاحظاتی هست بفرمائید .

میرزا ابراهیم خان - چون در مورد لایحه وزیر علوم تصریح کرده اند که این چند نفر شاگرد از برای معلمی و آموختن ترتیب تدریس در مدارس میروند بارویا از اینجهت لازم است در صورت مجلس ذکر بشود که مقصود معلوم باشد .

معاضد الملک - بلی وزارت معارف همینطور پیشنهاد کرده است و باید به کمیسیون معارف برود و آن کمیسیون که تصویب کرده و بمجلس آمد آن وقت هر چه کمیسیون و مجلس تصویب کرد همانطور نوشته میشود .

دکتر علیخان - بنده میخواهم عرض کنم چون مسوق هستم که مقصود وزیر علوم این بوده است که برای معلمی بروند يك عده شان و يك چند نفری هم برای علوم دیگر فقط تمام برای معلمی نیست .